

مرتضی صمدیه لباف الگوی ایثار  
ژنرال یس رضاخان و برنامه‌های او  
سپتامبر ۱۹۷۰ سال مرگ و خون  
چه کسانی مشاور اول خصوصی شاه را  
آزاد کردند



نامزدهای ریاست جمهوری چه برنامه و  
طرح‌هایی برای مبارزه علیه امپریالیسم  
آمریکا و بسایگ‌های داخلی آن،  
سرمایه‌داری وابسته، وابستگی‌های نظامی  
در ارتش، لیبرالیسم، بازمانده‌های  
فئودالیسم، مرتجعین و... ارائه داده‌اند؟

# انقلاب و جهت‌گیری کاندیداها

رفت‌کننده رئیس‌جمهور آینده بزرگ‌ترین دشمن انقلاب و خلق، امپریالیسم چه خواهد کرد؟

## نامزدهای ریاست جمهوری پاسخ دهند

- ۱ - آیا مبارزه با امپریالیسم آمریکا و متحدین اروپائی و ژاپن را در صدر و بعنوان مهم‌ترین ماده برنامه حکومت آینده می‌دانید؟ در صورت مثبت بودن پاسخ برای مبارزه با آمریکا و پایگاه‌های داخلی آن:
- الف - سرمایه‌داری وابسته، ب - وابستگی‌های نظامی در ارتش ج - قراردادهای استعماری (اقتصادی - نظامی) د - لیبرالیسم، ه - بازمانده‌های فئودالیسم و مرتجعین...
- ۲ - موضع خود را نسبت به جریان سازشکار لیبرالی و افشاگرانه‌ی که اخیراً از لانه جاسوسی، توسط دانشجویان بیرو خط امام بعمل آمده اعلام کرده، نظر خود را نسبت به ادامه این نوع افشاگرانه و همچنین شیوه مبارزه، با هر نوع جریان لیبرالی و سازشکارانه و وابسته به محافل استعماری تعیین کنید.
- ۳ - در قبال ارتش و ضرورت تصفیه بنیادی و بازسازی مکتبی آن و همچنین نسقی را که برای سپاه پاسداران و ارتش بیست میلهونی قائلید، بروشنی شرح دهید.
- ۴ - آیا به نظام شورایی اعتقاد دارید، در اینصورت این نظام را با چه محترا و طرح بنیادی می‌خواهید، بسپاه کنید؟
- ۵ - مساله ملت‌ها را چگونه حل خواهید کرد؟
- ۶ - طرح اساسی شما برای حل بحران اقتصادی، بخصوص صنعت و کشاورزی، ایران چیست؟
- ۷ - آیا به‌جاری و عده امام و فرام آوردن، شرایط مقدماتی تدوین و تصویب متمم قانون اساسی تا چه اندازه خود را مستول و متعهد میدانید؟
- ۸ - دقیقاً برای توده‌ها، مشخص کنید که صرفنظر از دوری و نزدیکی با شخصیت‌های محبوب مردم، در پروسه حرکت مبارزاتی و در انقلاب اسلامی ایران چه نقشی را ایفا کرده‌اید؟ سابقه مبارزاتی شما چیست؟ نه تنها در سخن و قلم، که در میدان عمل؟

باره احساس نمی‌کردند، لذا توده مردم تنها بی‌آز افشای اسناد لانه جاسوسی بوسیله رادیو تلویزیون به ماهیت آنان پی بردند و دیدیم که با وجود مقاومت شدید عناصر مزبور، توده حاضر شد به آنان اعتماد کند. اما بخوبی می‌دانیم که جریان اجتماعی لیبرالی، گسترده تر از آنستکه با افشای چند عنصر آن بخوبی شناخته و رسوا شود.

هنوز هم بزرگترین خطر در میان کسانی که چهره تزویر زیر نقاب انقلاب پنهان ساخته‌اند برای آینده انقلاب ایران لیبرالها می‌باشند. هنوز هم امپریالیسم آمریکا چشم امید به این گروه عناصر دوخته است. لیبرالها لزوماً "اعضای یک حزب یا سازمان واحد نیستند، همانگونه که بارها گفته شد یک طرز فکر و بینش سیاسی و مکتبی است که با طرز فکر انقلاب و بینش مکتبی تضاد دارد.

با شاخص‌ها و معیارهای متعددی میتوان وجود این جریان را در یک فرد یا گروه تشخیص داد. مهمترین و حساسترین آن، چگونگی برخورد با بزرگترین دشمن انقلاب، آمریکا و متحدین آن است:

در شعارها و نقطه نظرها، در برنامه‌ها و وعده‌های نامزدها دقت کنید ببیند اولاً با این دشمن چگونه برخورد کرده‌اند. از این راه میتوان ماهیت لیبرالی یا غیر لیبرالی آنان را تشخیص دهید و بالاتر از آن در یادید که رئیس‌جمهور آینده شما با بزرگترین دشمن انقلاب و خلق چه خواهد کرد؟

بقیه در صفحه ۶

فشار می‌شدند و مسئولیت خطر خود را به کناری می‌نهادند. مردم انتظار دارند هر چه زودتر و بویژه در همین روزهای تعیین کننده! دانشجویان ما هم‌اطلاعات را افشا و مردم را در جریان حقایق بگذارند. مگر نه آنستکه در انتخاب مکتبی مردم باید با آگاهی و آزادی کامل رای بدهند. چه تعداد مردم از ماهیت جریانات سیاسی که پشت سر هر یک از نامزدها قرار دارد، اطلاع دارند. غالب مردم داوطلبان را به نام و عنوان و آزادی کامل رای می‌دهند و نظاره‌های سیاسی و ادعاهایشان می‌شناسند در حالیکه این نشانه‌ها هرگز برای تعیین ماهیت و عملکرد آنان در مقام ریاست جمهوری کافی نیست. ناچندی بیش شانس انتخاب بزرگ لیبرالهای ایران به عنوان رئیس‌جمهور تقریباً صد درصد بود، زیرا ساخت مردم محدود به خصوصیات فردی و نام و موقعیت اجتماعی وی بود. مقاله‌ها و تحلیل‌های سیاسی که درباره جریان سازشکارانه سیاسی حاکم بر کشور نوشته و گفته‌میشد تنها به گوش معدودی از روشنفکران می‌رسد و می‌رسد. این روشنگری‌ها متأسفانه از دسترس توده دور است. وسایل ارتباط جمعی نظیر رادیو و تلویزیون که مؤثرترین وسیله ارسال پیام و آگاهی به مردم است در تمام مدت بازده ماه در انحصار اشخاص و جریاناتی بوده است که کمتر رسانی در این

هر روز که به تاریخ اخذ رای برای انتخاب اولین رئیس‌جمهور کشور جمهوری اسلامی ایران نزدیکتر میشوم دشواری بی‌حیدگی کار بیشتر آشکار میشود، کاری که در وهله اول بسیار سهل می‌آمد. اکنون بنظر میرسد که بر خلاف انتظار چندان آسان نیست، حتی حذف بیش از یکصد نفر از نامزدها از مزدوران ساواک و مفسدین و غیر ذلک هم نوانسته است مشکل مردم ما را در انتخاب رئیس‌جمهور تسهیل کند. بگذریم از اینکه جای تاسف و تأثر بسیار است که بعد از بازده ماه از پیروزی انقلاب، دشمنان خلق آنقدر بی‌پروا شده‌اند و قدرتهای اجرائی و مسئولان را آنقدر ناتوان و بی‌همراه دیدند که بخود جرات دادند، داوطلب ریاست جمهوری شده و در این آزمایش هم اخلال کنند. باید گفت چشم لیبرالها روشن با آن سیاست سازشکارانه و انقلاب برپا ده شان!

نمی‌دانیم چرا برنامۀ افشاگری دانشجویان بیرو خط امام در لانه جاسوسی آمریکا، درست در حساسترین شرایط و موقعی که مردم بیش از هر زمان احتیاج به شناخت اشخاص و جریانات سیاسی داشتند، متوقف گردید. می‌دانیم که برادران ما زبردستترین فشارها از جانب لیبرالها و مرتجعین انقیاب می‌کشند که شورای انقلاب در کار افشاکاری اخلال میکند. ولی آیا برادران ما باید تسلیم

مباحث ایدئولوژیک (۲۸) دکتر حبیب‌الله بهمان

## احتیاج، معیار حق هر کس از مادیات است

با اتفاق، ظالمی را خوار و مظلومی را مورد حمایت قرار میدهند، با اتفاق جبهه حق را در برابر باطل یاری کرده و سایک خلاء و کمبود اجتماعی را پر می‌نمایند.

در میان چگونگی و آثار و نتایج اتفاق قرآن چند مطلب یا حقیقت را گوشزد میکند اول آنکه مالی که از تو می‌خواهد تا در راه خدا از آن بگذری و به دیگران بدهی در اصل ملک مطلق تو نیست، تو مالک چیزی نیستی چه رسد به مالی که خداوند برسم امانت نزد تو گذاشته، و از راه لطف بنسو بخشیده. تو با استعدادهای خدادادی خود کار میکنی و از زمین و طبیعت خدا بهره برداری می‌نمایی. این نعمت‌ها همانند جان و قوای بدنی و فکری امانت‌هایی هستند نزد تو که باید به بهترین شکل آنها را بکاربری و مصرف کنی. پس در این منطق ما مالک نیستیم امانت داریم، امانتی که حقی از آن برای ما هست حق استفاده و مصرف در حد احتیاج و کفاف، بقیه را باید برسم بخت باز پس دهیم.

پس اتفاق بازگرداندن امانت خدائی به صاحب اصلی اش و مال کسانی است که خدا تعیین میکند. بحکم المال مال الله والخلق عیال الله مال و ثروت و کفایت مالکیت خداوند نزد افراد امانت است که پس از برداشت حق خود به خلق که خانواده خدا هستند برمیگرداند. امام علی به‌اشاعت بن قیس والی آذربایجان چنین می‌نویسد: «کاری که در دست تست و سبیله نوشخواری تو نیست، بلکه برگردن تو حلقه امانت است و باید به فرمان آنکس که فرادست تست، حق آن امانت پاسداری و نگاهبان آن باشی و ترا نرسد که در کار توده مردم به دلخواه رفتار کنی یا به کاری دست زنی که به آن فرمان نیاقتی - مالی که در دست تست از آن خدای عزوجل است و تو نگاهبان

آن تا آن مال به من باز پس دهی. امیدوارم که من بدترین فرمانروای تونباشم - والسلام» دوم آنکه آنچه می‌بخشی باید از راه حلال یعنی با کار و تلاش شخصی بدست آورده باشی - این معنا را قبلاً شرح دادیم. سوم - آنکه اتفاق در اصل مبادله‌ای است بین ارزشهای مادی و معنوی، قرضی است بخدا و تجارتی است با او - اتفاق مازاد، ایثار نیست، ادای وظیفه در برگرداندن امانتی است که نزد شخص است، ایثار وقتی است که شخصی چیزی را که خود بداند احتیاج دارد به برادر خویش که او هم نیازمند است ببخشد.

اتفاق مازاد بر احتیاج، دل‌کنند از چیزهایی است که ببرد ما نمی‌خورد - آزاد شدن از وابستگیهای بازدارنده و آماده شدن برای پرداختن به هدفهای بزرگ‌گسرو دل‌بستگیهای رشد دهنده است. آثار و نتایج معنوی اتفاق بلافاصله به شخص باز میگردد - تحولی که در شخصیت وی رخ میدهد یاداش عوضی است که دریافت میکند - در اتفاق انسان چیزی را که نگاهداری آن در حقیقت کمترین سودی ندارد میدهد در ازای چیزی - هاشکی که برای او مقیدند بدست می‌آورد - ارزشهایی که هم در زندگی این دنیا وهم در حیات بعدی سرمایه و عامل رشد و تکامل وی می‌باشد.

با توجه به محدودیت رشد جسمانی ما به مادیات به اندازه معین احتیاج داریم، لکن نیاز ما به ارزشهای فکری و معنوی حد و مرزی ندارد، زیرا حد تکامل ما در این جهت

بقیه در صفحه ۲

## با توقف افشاگریها به تداوم

## انقلاب ضربه می‌زنیم

● از همان آغاز معلوم بود که عناصر مرتجع و سازشکار و تمام جریانات و کسانی که افشای اسناد خیانت افراد خائن و مزدور را در تضاد با موقعیت اجتماعی و سیاسی خود میدیدند، با سکوت و عدم تأیید و حتی مخالفت در ابعدی، نارضایتی خود را از چنین روندی نمایان سازند.

نمایان سازند. نگاهی سطحی و گذرا به عملکرد وزرای خارجه سابق و فعلی، شورای انقلاب و سایر دست‌اندرکاران اسور و مراکز تصمیم‌گیری، خود به‌انگر نگرانی عمیق و ناراحتی منطقی آنان از روند سابقه درخشان افراد و گروه‌هایی که پرونده وابستگی و خوش‌خدمتی آنان در سفارت موجود است، می‌باشند. کار فکری در مبارزات ضد امپریالیستی مردم و امام و عدم تأیید و حتی در بسیاری موارد پر خورده‌های بیخایت غلط و انحرافی شورای انقلاب و مسئولین وزارت خارجه که مدعی حرکت در خط

در حالیکه بسیم آن مسرفت فداکارهای و از جانگفتگی‌های توده‌های قهرمان و مبارز ما و خون هزاران شهید انقلاب اسلامی ایران با عملکرد سازشکارانه دولت سوقت و مرتجعین مسلط بهتر بود و جوش انقلابی مردم از سرت حکامیت لیبرالیسم سازشکار از حرکت باز ایستد و توده‌ها توان انقلابی خود را از دست بدهند. حرکت انقلابی و بوقع دانشجویان بیرو خط امام که با بهره‌گیری از روشود تاریخی امام که خورده آستین‌ها را بالا بزنیم، با افعال لانه جاسوسی آمریکا فریادهای مسرگ بر آمریکا و غرض مبارزه ضد امپریالیستی بر کشورمان طنین انداز شد. این حرکت بقدری غافل‌گیر کننده بود که آمریکا با تمام امکانات و ارگانهای تبلیغی و عناصر و جریانات وابسته داخلی تاب مقاومت نیاورد و چهره پلید و همدخلی خود را با دست‌زدن به عملیات و حرکتی مذهبانه بر علیه رهبری و انقلاب اسلامی ما نشان داد. دیدیم که چگونه به یمن چنین عمل بیدارگرانه، لیبرالیسم و ارتجاع عقب‌نستند و خط و مرزی مشخص و معین هر چند بطور ناقص، بسیم جریانات اصیل و مکتبی با جریانات شبه‌انقلابی و اسلامی کشیده شد بسا پسرده بر داشتن از چهره سازشکاران جلو حرکت غیر انقلابی آنان را بسدلیل فقدان پیشش مکتبی در صدد بازگرداندن آب رفته بچری آمریکا بپردند، را گرفت. بسا افشای اسناد و مدارک خیانت و جاسوسی و مساهمت وابستگی عناصری چون امیرانتظام و ..... نقاب از چهره ساختگی و «صودر اعتدال دولت لیبرال بر داشت و در روند خود ضربه بزرگی به جریان سازشکاران زد. مردم ما در این جریان نیز بهشتازی و بیداری و مساهمت ضد امپریالیستی خود را نشان داده و با حمایت‌های بوقع و بیدریغ خود در تداوم جریانی که در حال شکل گرفتن بود، سهم مبارزاتی مؤثر خود را ایفا کرد.

از همان آغاز معلوم بود که عناصر مرتجع و سازشکار و تمام جریانات و کسانی که افشای اسناد خیانت افراد خائن و مزدور را در تضاد با موقعیت اجتماعی و سیاسی خود میدیدند، با سکوت و عدم تأیید و حتی مخالفت در ابعدی، نارضایتی خود را از چنین روندی

## از اختلاف واژه‌ها تا افترا و اتهام

در طول تاریخ، جنگ مذهب علیه مذهب، از مواردیست که نشانگر مبارزه طبقات متضد و طبقات استثمارگر میباشد. جنگ موسی و فرعون، مزدک و روحانیون دربار اتوشیروان، علی و معاویه ..... و در حال حاضر جنگ بین مسلمانان مکتبی و مسلمانان غیرمکتبی در این زمره‌اند. و اما مسلمان مکتبی کسی است که گسترش اندیشه خود را هدف زندگی خود میداند و بدون چشم‌داشتی مادی، در راه تبلیغ آن میکوشد، و مسلمان غیرمکتبی، نان مذهب را می‌خورد و گسترش دین را وسیله کسب قدرت و حتی امرار معاش روزانه خود قرار میدهد.

در تاریخ اسلام، جنگ بین این دو مذهب جریانات

بقیه در صفحه ۴

# احتیاج، معیار حق هر کس

بقیه از صفحه ۱

● مال اضافی که بدان احتیاج نداری (احتیاج واقعی) در هر حال از کف تو خارج است، چه در صندوقخانه و یا بانک نگاهداری و چه اسراف کنی و دور بریزی و یا به میراث بگذاری.

مصدق نیست. بعلاوه مسیر تکامل انسان، از ماده به شعور، از جسم به روان و از مادیات به معنویات و از خاک بسوی خداست. در شرایط تکامل یافته بعدی ارزشهای نوع دوم عامل حیات و زندگی و قدرت و نیرو و بشاقت میروند و هرکس آنها را بدست میآورد در حقیقت زندگی را بدست آورده، عامل بقا و رشد و جاودانگی را کسب کرده است. پس ایها الذین آمنوا استجبوا لله ولرسله وادعواکم لما یحببکم "۴۱ ای کسانی که ایمان آوردید، خدا و رسول را پاسخ مثبت دهید هنگامی که شمارا چیزی میخوانند که زندهتان میکند. پس اتفاق عمل یک جانبه نیست - از دست دادن نیست - زیان کردن نیست -

بمکن جلب نفع واقعی است. پس از آنکه خدمت به غیر باشد خدمت به خود است" و مانتفقوا من خیر فلانفکم" هرچه از مال اتفاق کنید برای خودتان کردهاید برای اینعلم برکسی منت نگذارید زیرا نه فقط چیزی که وپال گردندان بوده از شما دور شده است، بلکه عوض هم بدست آورده است" و ما نتفقوا من خیر یوف الیکم ولا تظلمون "۴۲ هرچه از مال اتفاق کنید به شما برمیگردد و ظلم نمیشود" و مانتفقوا من شیئی سبیل الله یوف الیکم "۴۳ هر چیزی را در راه خدا اتفاق کنید به شما ادا خواهد شد.

● اتفاق در صورت حلال بودن اگر بقصد خیر و سودجویی و غرضهای دنیوی باشد باطل است، چون احتمال ناصالح کردن دارد. ● با توجه به محدودیت رشد جسمانی ما به مادیات بندانداز و همین احتیاج داریم، لکن نیاز ما به ارزشهای فکری و معنوی خود و هرگز ندارد زیرا احد تکامل ما در این جهت مسدود نیست.

است. تصور نکنی خدا به بخشش تو نیاز دارد، تو در حقیقت به خودت می بخشی - چیزی را که از دست رفتنی و نابود شدنی است - برای خودت نگاه میداری - از حالت فناشدنی به حالت باقی ماندنی تبدیل می کنی، از دست دادن نیست، بدست آوردن است، مال اضافی که بدان احتیاج نداری (احتیاج واقعی) در هر حال از کف تو خارج است چه در صندوقخانه و یا بانک نگاهداری و چه اسراف کنی و دور بریزی و یا به میراث بگذاری، در هر صورت مال تو نخواهد بود ولی وقتی در راه خدا و بابت پاک می بخشی، آنرا بدست آوردهای و محفوظ داشتهای، البته نه بهمان صورت که در شکل متعالی و رشد پاینده.

از این رو در اتفاق زبان نیست، تجارتي کامل "سودآور" . . . و انفقوا مما رزقناهم سرا و علانیه بروجون تجاره لکن تنبور "۴۸ و از آن چه روزیشان دادیم پنهان و آشکار اتفاق میکنند - امیدوار به تجارتي هستند که هرگز تنهایی و زیان ندارد. این برگشت نتیجه و عوض ممکن است حتی در همین دنیا هم بصورت ارزشهای مادیش رخ دهد - اما باز هم بشرطی که قصد تو این نباشد. در هر حال آنچه در این میان قطعی است حاکمیت قانون و یا سنت مبادله ارزشها

بمکن جلب نفع واقعی است. پس از آنکه خدمت به غیر باشد خدمت به خود است" و مانتفقوا من خیر فلانفکم" هرچه از مال اتفاق کنید برای خودتان کردهاید برای اینعلم برکسی منت نگذارید زیرا نه فقط چیزی که وپال گردندان بوده از شما دور شده است، بلکه عوض هم بدست آورده است" و ما نتفقوا من خیر یوف الیکم ولا تظلمون "۴۲ هرچه از مال اتفاق کنید به شما برمیگردد و ظلم نمیشود" و مانتفقوا من شیئی سبیل الله یوف الیکم "۴۳ هر چیزی را در راه خدا اتفاق کنید به شما ادا خواهد شد.

چهارم - اتفاق فقط در یک صورت به مبادلهای حیات بخش تبدیل میشود که بی چشداشت مادی و تنها به قصد نزدیک شدن به خدا، کسب معنویات و جلب رضایت وی انجام گیرد" و ما نتفقوا الا ابتغاء وجه الله "۴۴ و اتفاق نمی کنید مگر در پی جوئی روی خدا یعنی اتفاق باید به عنوان یک گام بسوی تکامل تلقی شود. یعنی تحویلی روحی و معنوی درانسان بوجود آورد، عواطف و احساسات و علائق وی را تعالی بخشد، آفت دهد او را توسعه دهد، از تنگنای خود - پرستی و از زندان خود و محدود مادی خارج بسازد، و خویشتن انسانی اش را تحقق بخشد. این خود که صیغهای الهی دارد و با خود بشری متفاوت است در کالبد جسم و منافع مادی و شمع لذات و علائق جسمانی محصور نمی ماند - خویشتن خدایی بنا به ماهیت خود ناچار از حرکت بسوی سرچشمه هستی بخش خویش است. از او بر خاسته و ناچار بسوی او کشیده می شود" انا لله و انا الیه راجعون" اتفاق برداشتن سنگ از پیش پای حرکت خویشتن خدایی است تا نتواند بسوی او، در راه و در جهت روی او حرکت کند. پس اتفاق یک عمل نفسانی است که قاعدتا باید با یک تحول تعالی بخش درونی همراه گردد. اتفاق اگر در یکداد و ستد مادی و مکانیکی محدود شود، اتفاق فی سبیل الله نخواهد بود. یک سوداگری است از آن نوع که دربین ما رواج دارد. پس باید آگاهانه و از روی قصد و آگاهی و خالصا "مخلصا" متوجه الله باشد، تا آن تحول معنوی در شخصیت انسان رخ دهد و یک پله او را از خود خواهی، تنگ نظری، نفع پرستی و دنیا پرستی دور کند و به سمت کمال وجودی یک انسان خداگونه نزدیک سازد. پس اتفاقی که بر اساس معیارها و ارزشهای مادی و این دنیایی انجام میگردد پذیرفته نیست، ارزش تکامل بخش ندارند، از دیدگاه قرآن و آیه جوئی نزدیکی به کمال مطلق بیهوده اند. " لا یتظلموا صد قاتنه سالمن والادی کالذی ینفق خود را با رگه الناس" ۴۵ - بخششهای خود را با منت گذاری و ایذاء باطل میکنند، چون کسی که مالش را برای خود نمایی در مقابل مردم اتفاق میکند - زیرا هر دادنی عوضی دارد اگر مالی را بخشیدی بخاطر آنکه بعدا همانند یا بیشتر آنرا بپوشی بدهند - عوض تو همین است، اگر بخشیدی تا بعدا " مقامی و موقعیتی کسب کنی عوض تو همین است - اگر بخشیدی تا محبوبیتی و جاهت بدست آوری، عوض تو همین است، اگر بخشیدی تا مردم به تو اعتماد کنند تو را متدین زاهد و فداکار بشناسند، عوض تو همین است، جز آنها منتظاری نداشته باشی، یا عوض را بدست می آوری یا نه بسته به درستی محاسبات تو میباشد. اما اگر پاداش و عوض از آن نوعی که حیات بخش، تعالی بخش، پویا، باقی و رشد پاینده و معنوی و خدایی است، می - خواهی باید انگیزه دیگری در کار تو و در قصد و نیت تو دخالت نکنند و راه نیسند "الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله تم لا یتبعون ما انفقوا منا والادی الیکم اجرهم عند ربهم و انفقوا علیهم و لاهم یحزونون "۴۶ - تا آنکه اموال خود را در راه خدا اتفاق میکنند و سپس آنچه را اتفاق

آزادی عمل تو بیشتر است، روح سبکت و پاهایت راهوار و جایک ترشده است - بپرداز و قدرت پرواز بدست آوردهای - اتفاق واقعی و عمل صالح دریک جامتوقف نمی ماند آثار آن اثرات تازه ای برای میگذارد و اعمال نیک و صالح تازه ای را برمی انگیزند - احساس آرامش و آزادی و عطفوت انسانی که به شخص پس از یک عمل نیک و بی زیادت میدهد تشویق کننده است، محرک اعمال تازه است و آثاری که این عمل در اشخاص دیگر در قلب و روح و جان دیگران برای میگذارد، بزودی از بین نمیرود که به عکس توسعه می یابد - باقی می ماند زیرا عمل صالح و اتفاق در راه خدا آن است که حیات بخش باشد - موجب تقویت حیات و تعالی زندگی شود.

شما با اتفاق بیماری را بهبودی گرکنهای، سیری نیازمندی را بهره مندی می بخشید، با اتفاق گریه را می کشاید، جاهلی را آگاه، گوری را بینا و قلبی را شاد می کنید، با اتفاق، ظالمی را خوار، و مظلومی را مورد حمایت قرار میدهید، با اتفاق جبهه حق در برابر باطل باری کرده، و یا یک خلا" و کمبود اجتماعی را بر می نشاندید - و چنانکه از معنای خاص آن برمی آید اختلافات را برطرف و محرومیت ها را از میان برمی - دارید. اینهمه آثاری رشد پاینده در روح و قلب و حیات فردی و اجتماعی باقی میگذارد - روی قانون نایب متقابل و عمل و عکس العمل دائما " رشد میکند، هر دانه شاخهای و هر شاخه صدها خوشه بیار میآورد.

" مثل الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله کمثل جنه انبتت سبع سنابل فی کل سنبله مائه جنه والله یضاعف لمن یشاء" و الله واسع علیهم "۵۱ مثال کسانی که اموال خود را در راه خدا اتفاق میکنند همانند دانهای است که هفت خوشه برویاند و در هر خوشه یکصد دانه، و خدا برای هرکس بخواهد چند برابر میکند و خدا گشاینده و داناست.

آنان "گاز روی آگاهی و ایمان به حاکمیت اراده خدا بر جهان و سیر تکاملی خلقت و تعالی حیات از مال خویش می گذرند - این عمل راه برای بهشت و کسب موهبتها است از روی ایمان و خلوص انجام میدهند بعکس آنان که از جنان بینشی محروم اند و جز محدود زندگی مادی و این دنیا نمی شناسند، در هر اتفاق و دادن مال بازدهی مادی و یا نزدیک را طالبند. هدفشان با جلب سود بیشتر مادی و یا فریب خلق و یا بازداشتن مردم از حق و دشمنی با آنان است - پول را در راه اهداف شخصی و ضد اجتماعی یا ضد توحیدی خرج میکنند. " و السدین ینفقون اموالهم ثاوا الناس و لا یؤنن بالله ولا بالیوم الآخر" ۵۲ کسانی که اموالشان را برای خود نمایی نزد مردم اتفاق میکنند، ایمان به خدا و آخرت ندارند. و یا دشمن حق و مانع راه تکامل اند " ان الذین کفروا ینفقون اموالهم لیسودوا عن سبیل الله" ۵۳ تا آنکه کافرند اموالشان را برای بازداشتن از راه حق اتفاق میکنند.

و یا از روی تردید وضع آگاهی و ایمان صرفا " برای تظاهر به ایمان و مردم خواهی ولی از روی اکراه و بی میلی" و لا ینفقون الا وهم کارهون" ۵۴ و اتفاق نمیکند مگر با اکراه و بیزاری.

ادامه دارد

است که نصیبت میشود. بخشش واقعی بلاعوض نباشد، هر فداکاری و ایثار آثار و نتایجی بلافاصله برای میگذارد و مکتسباتی در بردارد. این قانون بر کلیه اعمال ما حاکم است - البته اعمال و بخششهایی که در جهت کمال و در راه خدا و بطرف روی او باشند - عوض های بهتر و کاملتری بدنبال دارند - یعنی بصورت می یابند آنها بصورتی تکاملی" و ما انفقتم من شی یوف یخلفه و هو خیر الرازقین" ۴۹ هر چیزی را که اتفاق کنید او جایگزین میکند.

پنجم - اتفاق مانند هر عمل دیگری ممکن است باطل و نابود شود و ممکن است باقی مانده، رشد کند. اتفاق یعنی دادن مال اضافی فی نفسه و بدون در نظر گرفتن چیزی را تعیین نمیکند. از لحاظ ظاهری دادن مال است به کسانی که احتیاج دارند یا برای ساختن مسجدی، آب انباری و یا درمانگاه و خیریه ای از این نوع ماهیت و آثار و نتایج آنرا قصد و نیت پشت آن تعیین میکنند - در اینصورت است که با باطل و کم شدنی و یا ماندنی و بارور خواهد بود -

آن حاجی بازاری نزول خواری هم که پولی میدهد برای ساختن مسجد یا تهیه درب طلائی امامزاده و آن کارخانه دار استثمار -

● اتفاق در صورت حلال بودن اگر بقصد خیر و سودجویی و غرضهای دنیوی باشد باطل است، چون احتمال ناصالح کردن دارد. ● با توجه به محدودیت رشد جسمانی ما به مادیات بندانداز و همین احتیاج داریم، لکن نیاز ما به ارزشهای فکری و معنوی خود و هرگز ندارد زیرا احد تکامل ما در این جهت مسدود نیست.

جی که به بنیم خانه کمک میکند و یادمانگاهی می سازد و آن زمین خوار، بسازو بغوش که قطع زمین برای ساختن مسجد هدیه! میکند همه در ظاهر اتفاق کرده اند، گذشته از این که گفتیم اتفاق باید از مال حلال باشد، به صدق آیه " یا ایها الذین امنوا انفقوا من طیبات ما کسبتم "۵۰ ای مومنین از مکسبات پاک (حلال) خود اتفاق کنید چنانکه امام هم در تفسیر این آیه گفتند - اتفاق و صدقه از مال حرام که از ربا و استثمار بدست آمده باشد قبول نمیشود.

در صورت حلال بودن اگر بقصد خیر خلق و سودجویی و غرضهای دنیوی باشد، باطل است، چون اعمال ناصالح کم و نابود میشوند زیرا تبدیل به ارزشهای برتر نمیکرد و این تبدیل در وجود انسانی رخ میدهد - شخص بهتر از هرکس از تحولات درونی خود آگاه است اگر از مالی بقصد جلب رضایت خدا" ابتغاء مرضاه الله" دل کندی، قبل از هرکس خودت از تحول درونی خویش آگاه میشوی - احساس سبکباری، بی نیازی، بتو دست میدهد. می فهمی که قلت نرم تر و عاطفات رقیق و حساس تر و روح انسانی تو زنده تر شده است. احساس آزادی بیشتری میکنی - آزادی از دل بستگی به پول و به مادیات، هر اندازه در این راه پیش روی

## با توقف افشاگریها

باز گرداندهاید. خود به نیکی دیدید که چگونه روحیه مبارزات ضد امپریالیستی با هر اعلامیه و با هر سند افشاگرانه شما در مردم ما به اوج می رسد و چگونه مردم و توده های مبارز و ستم دیده ما آمادگی خود را برای هر گونه ایثار و فداکاری و حرکت در خط امام و خط انقلاب اعلام میکنند. شما خود به بخوبی دیدید که چگونه مردم و شما برهبری امام با نفی هر گونه سازش و مسامحتی در مسئله گروگانها و عدم قبول دلالت

نیست، درک کرده، و با راه بیستایی های بموقع خود خرواهان ادامه افشاگریها و معرفی عناصر خائن و مزدوری که پرورده خیانت و وابستگی آنان در اختیار دانشجویان مبارز است، شدن چرا که نیک دریافته بودند در این ده ماهه اخیر چه کلاه گشایی بر سرشان رفته و چگونه مسئولین امور بعنوان رتق و فتق کارها نزد عشق به امپریالیسم جهان می ساختند و با اجرای قراردادهای تنگین و تحمیلی بخصوص با آمریکا و حمایت از چنین قراردادهای آنها فقط بخاطر حفظ دایره و عدم تمایل به معرفی شدن تحت عنوان "دیپلمات شکن" در جهان امروز، به همان مسیری کشیده میشدند که جز ناپرویی انقلاب و لوت کردن رهبری و بهر دادن خون شهدای گلگون کفن انقلاب نتیجه و غایت دیگری نداشت.

### علاقه مردم به تداوم انقلاب

مردم و شما دانشجویان مبارز مستقر در لانه جاسوسی بدلیل ماهیت مبارزاتی و انقلابی تان و بدلیل عشق و علاقه به تداوم انقلابی و احساس مسئولیت تسعد سنگین مکتبی و انقلابی در قبال میراث شهدا و حفظ آبروی رهبری انقلاب و نیز بدلیل حرکت در خط امام است که دست به چنین اقدام شجاعانه و انقلابی زده اید و با ایجاد نقطه عطفی جدید مسیر مبارزه را که به شتاب بسوی انحرافی که جز افتادن پدمان امپریالیسم جهانی نبود، عوض کرده اید و به جهاد اصلی انقلاب

امروزه اصالت و ارزش چنین اقداماتی برهنگان روشن است این مسئله نه تنها حرکت جدیدی در درون جامعه ما ایجاد نمود بلکه امپریالیسم جهانی را به حرکت مندرجه ای وادانت که جز بسود انقلاب و تداوم و پیگیری مبارزات ضد امپریالیستی خلق های منطقه و دنیای اسلام نبود.

شما بخوبی دیدید که امریکار در ده ماه گذشته نه تنها بدلیل همراهی و هم آوازی سازشکاران ماهیت و چهره کره خود را نشان نداده بود و نه تنها حرکت های انقلابی خلق های مستضعف جهان بخصوص در افریقا و منطقه خاورمیانه را بکنشی کشانده بود بلکه مسئله

● آیا فکر نمی کنید به ندای بحق خلق بپا خاسته باید جواب داد و همچنان با افشاء این اسناد، حرکت انقلابی خلق مسلمان را از وجود عناصر ناپاک و وابسته به امپریالیسم تصفیه و تطهیر نمود؟

انقلاب ایران نیز بدلیل اعتقاد مسئولین دولت موقت و انقلابیون وارداتی و تازه از راه رسیده معتقد به عدم صدور انقلاب بدست فراموشی سپرده میشد، صرفت که حرکت جدید و نوین انقلابی در جهان کنونی آنها با معیارهای مکتبی و با محتوای اسلام اصیل و انقلابی از پانصد سال زوده و وحشت امپریالیسم امریکار را از شکل گیری و تداوم چنین حرکتی در میان مسلم مستضعف جهان از بین می برد. شما در چنین شرایطی بود که بار نمود انقلابی امام دست بکار شدید کمی که به عقب بستگرید و عملکردهای امپریالیسم امریکار را در اینستو مسطح متفاوت در این ده ماهه اخیر از نظر بگلراندید و

حرکات انقلابی و اسلامی را در جهان اسلام، در عربستان، در پاکستان، در عراق و ... نگاه بکنید. شما اینها از برکت طرح اصولی و تبلیغ درست خط امام و شناساندن انقلاب اسلامی مان بود

حرکات و اقدامات امپریالیسم امریکار را بنگرید که چگونه با اقدام شجاعانه شما به سر گشجه افتاده و خسته از بازی کشاندن اسام و شما و مردم به تلامهای تلافی جوینان دست زده و در فضای ماهیت پلید خرد کسک شایستی به خلق های مسلمان و مستضعف نمود

آها میتوان این همه دستاورد انقلابی و این همه تحرک و جنبش ضد امپریالیستی را در جهان اسلام نادیده گرفت؟

آها میتوان ماهیت معجز آسای چنین حرکتی را در فضای خط لبرالسم و طرده نسی ارتجاع و سازشکاری صحنه نگذاشت؟

آها میتوان با توجه به چنین دستاوردهای نسر بخشی از فضای نام عناصر و جریانات هنوز هم در حال بهره زدن به انقلاب هستند خودهداری می کرد؟

شما که بارها و بارها خرد را طبع مردم و گوش بفرمان است م امام نشان دادید امروزه چه فده است که حرکت مبارزاتی و اصیلتان متوقف گشته است؟ آها سازشکاران و کساتیکه افشاگرهای شما پیش از همه آتش بردهای کورگان می نهاد سرفق شده اند شما را بسکوت با سازش کشانند؟ و آها سرفق نشده اند حداقل

با ایجاد فضایی در بین شما به هدف اصلی و عده خود که همانا سکوت نسات، رسیده باشند؟ نیک میدانید که خلق انقلابی مسلمان ما در مرحله بسیار حساسی بسر می برد، در هیچ دوره ای بهمانند شرایط فعلی انقلاب، توده های مستضعف به انسان های کار ساز و مطمئن و مبارز و انقلابی نیاز ندارد امروزه که امپریالیسم امریکا خسته از قاطعیت انقلابی و ترسان از بیداری خلق با ایجاد تضادهای و درگیری های داخلی در صدد ایجاد افتنه و آشوب و بلوت کشاندن انقلاب است. هیچ مصلحتی به اسدازه افشای عناصر و جریاناتی که پرونده های پررنگ خیانت و مزدورانه افشان در اختیار نسات بالاتر نیست.

شما نیک میدانید که ...

شما نیک میدانید که متاسفانه از برکت حاکمیت سازشکاران چه عناصر مرتجع و وابسته ای در مصلو امور و در اینجا و آنجا به اخلاکگری و خالی کردن بیت و المال و خیانت به خلق مشغولند. ایمان داریم و ایمان داشته باشیم که با افشای هر چه بیشتر اسدانه تنها به خواستهای انقلابی خلق پاسخ مثبت داده ایم، بلکه در عتق و مسحوای بخشیدن به انقلاب و دان معیارهای درست به توده های مردم، قدمهای مؤثری بر خواهیم داشت. این اسناد نباید بهمانند اسناد پیشمار و با ارزشی که میگویند بدست وزراری قلبی و بخصوص آقای دکتر بیزی وزیر اسبق امور خارجه سرنفت نا معلومی دچار شده، از دسترس مردم خراج گردد.

باید قبل از اینکه خائنن فرار کنند و با مطمئن از عدم افشاگری ها خیانت به انقلاب به انقلاب و خلق را اعمه بدهند بر اساس تهدد اسلامی و انقلابی افشاء شده و از رأس کارهای حساس سبزی کشیده شوند. نباید اجازه داد بخاطر عدم تمایل شورای انقلاب و سایر مسئولین به ادامه چنین روندی، انقلاب دومی را که خود آغاز گر بودید، به افتنا سپرده و بیکار دیگر امپریالیسم جهانی امکان آن باید که نفس راحتی کشیده و با خیالی آسوده برای حفظ منافع پلید خود دامهای دیگر خود را سر راه انقلاب و استقلال بیون بگستراند.

به نظر ما و به نظر هر مسلمان صادق و هر انسان آزاده ای هیچ مصلحتی پاندازه اذعان بحقیقت و افشای بوقع باطل، اصولی نیست. بخرد بپایتم و اجازه ندهیم دستهای سازشکار حرکت اصیل و مکتبی مسان با تحراف نکشاند. و قبول بکنیم که افشای سنده یعنی طرده عناصر سازشکار و به تنگنا افتادن ضد انقلاب و رشد و هویشاری و آگاهی خلق در شناخت دوست از دشمن و جدا نمودن صف متناقض از انقلابیون اصیل.

شما که خود بارها گفته اید گوش بفرمان مردم هستید مگر نه اینستکه هر روز و هر ساعت این توده ها فریاد می زنند، دانشجوری خط امام افشا کن، افشا کن، توطئه امریکار رسوا کن، رسوا کن. آها فکر نمی کنید به این ندای بحق خلق بیاضاسته بسپاید جواب داد و همچنان با افشا این اسناد حرکت انقلابی خلق مسلمان را از وجود عناصر ناپاک و وابسته به امپریالیسم تصفیه و تطهیر نمود؟ و باید قبول نمود که بزرگترین ضربه به عدم افشای اسناد خیانت مزدوران امپریالیسم امریکار متوجه رهبری انقلاب (امام است) که مسحر اساسی وحدت انقلابی خلق مسلمان بشمار می رود خواهد شد و بزرگترین دستاورد عدم افشا نصیب امپریالیسم امریکار و انصار داخلی آن خواهد گردید

# فاعتبرو یا اولی الابصار



انقلاب مشروطیت ایران همیشه سرنوشتی بس دردناک و عبرت آموز در آذهنان مردم تداعی نموده است، فشرده و خلاصه: ۱- از فردای موفقیت ظاهری انقلاب، ضد انقلاب به تهیه و تدارک توطئه های ضد مردمی مشغول و کثیف ترین مهره های رژیم شاهنشاهی محمدعلی خانی، خلعت انقلاب پوشیدند و بسیاری از آنها بار دیگر مصدر امور حیاتی مملکتی گردیدند.

۲- انقلابیون که با سرمایه شرف و مردانگی و همت و با خون خویش ضدانقلاب را در تنگنا نهاده و بقبح نشینهای چشمگیری مجبور ساخته بودند، اولین قربانیان تشکل مجدد انقلاب شدند.

۳- ضدانقلاب در پیوند دربرین و ناگسستن خود با نیروهای بیگانه و بخصوص امپراطوری استعمارگر انگلیس (امپریالیسم آمریکا در آنروزگار امپریالیسم مسلط در ایران نبود) در فاصله کوتاهی از پیروزی انقلاب یورش همه جانبه و وحشیانه خود را آغاز نمود.

۴- ضد انقلاب در میان هرج و مرج و بی ثباتی ناشی از ضعف وعدم قاطعیت انقلابیون، دست در دست بیگانگان، به جمع بندی شخص و معینی از هدفهای مرحله ای خود رسید، همچنانکه امپریالیسم انقلابی، امروز دست در دست نیروهای ضد مرحله اجرا گذاشته است.

برنامه ها و هدفهای ضد انقلاب در این مرحله:

۱- بی ریزی ارتشی نیرومند و قشونی منظم در خدمت حکومت مرکزی مقتدر زورناها سرگردگی زوال رضا خان برای سرکوبی و نابودی نهضت های انقلابی مردم علیه استبداد و استعمار و استعمار نابرابر ساختن قدرت توده ها در برابر قدرت حکومت غیرمردمی.

۲- گستردن بساط دیکتاتوری نظامی جهت از بین بردن بقایای دستاوردهای انقلاب مشروطیت و ایجاد رعب و وحشت و ترور و اختناق در میان مردم.

۳- تحکیم هرچه بیشتر پیوند دیکتاتوری نظامی با امپریالیسم انگلیس، جهت تامین منافع اقتصادی - نظامی و استراتژیک استعمار در ایران و منطقه.

۴- دستیابی به اطمینان خاطر از جریان وقفه ناآرامی نفت ایران، این سلاح استراتژیک، اقتصادی - نظامی و سیاسی بسوی غرب استعمارگر. برای رسیدن به هدفهای یادشده، نامزد امپریالیسم و ضد انقلاب جهت در دست گرفتن قدرت شیوف های زیر را اتخاذ نمود.

۱- طرح شعارهای پرطمطراق ملی و میهنی و مذهبی و حتی طبقاتی در خدمت عوامفریبی و ربیگاری و تسلط بی چون و چرای امپریالیسم و ضد انقلاب.

۲- مذهب، نمایه های مصلحتی با توسل به "مذهب سقاخانه ای" و "تزیین و توشیح" و چاقوق برای هموار ساختن راه تاختن به مذهب اصیل و انقلابی اسلام و اجرای کامل توطئه جدایی دین از سیاست و سرانجام اسلام زردانی فرهنگ مردم و تبلیغ پیوسته فرهنگ باستانی با محتوای استعماری.

۳- اجرای سیاست گام بگام جهت قبضه کامل قدرت از طریق گماشتن سر - سپردگانی چون سید ضیاءالدین طباطبائی که دقیقاً نقش محلل برای امپریالیسم و ضد انقلاب داشته اند.

۴- توسل به طرحهای نمایشی از قبیل نامزدی ژنرال رضاخان برای ریاست جمهوری که شیوایی برای هموار ساختن راه ایجاد رژیم سلطنتی - استبدادی خاندان پهلوی بشمار میآید.

و اینک رضاخان از راه رسیده و در صدد بی ریزی یکی از فاشیست ترین و ضد مردمی ترین رژیمهای ملتباریستی تاریخ، فرمان میآورد:

حکم میکنم

ماده اول - تمام اهالی شهر تهران باید ساد و مطیع احکام نظامی باشند.

ماده دوم - حکومت نظامی در شهرسهر برقرار و از ساعت هشت بعد از ظهر غیر از افراد نظامی و پلیس ما مور انتظامات شهر کسی نباید در معابر عبور نماید.

ماده سوم - کسانی که از طرف قوای نظامی و پلیس مظنون به محل آسایش و انتظامات واقع شوند، فوراً جلب و مجازات سخت خواهند شد.

ماده چهارم - تمام روزنامه جات، اوراق مطبوعه تا موقع تشکیل دولت بکلی

موقوف و برحسب حکم و اجازه که بعد داده خواهد شد باید منتشر شوند.

ماده پنجم - اجتماعات در منازل و نقاط مختلفه بکلی موقوف در معابر هم اگر بیش از سه نفر گرد هم باشند با قوه قهریه متفرق خواهند شد.

ماده ششم - درب تمام مغازه های شراب فروشی و عرق فروشی، تاتر وسینما، قنوقراها و کلوبهای قمار باید بسته شود و هر مست دیده شود به محکمه نظامی جلب خواهد شد.

ماده هفتم - تا زمان تشکیل دولت تمام ادارات و دوائر دولتی غیر از اداره ارزاق تعطیل خواهد بود. بستخان و تلگراف خانه هم مطیع این حکم خواهند بود.

ماده هشتم - کسانی که در اطاعت از موافق خودداری نمایند، به محکمه نظامی جلب و به سخت ترین مجازات خواهند رسید.

ماده نهم - کاظم خان به سمت کماندانی شهر انتخاب و معین میشود و مأمور اجرای مواد فوق خواهد بود.

۱۴ جمادی الثانی ۱۳۳۹

رئیس دیوبزیون قزاق علیحضرت آقدس شهریساری و فرمانده کل قوا رضا.

فردای همانروز نامزد امپریالیسم و ضدانقلاب شعارهای پرطمطراق را مطرح میسازد. . . . . در همان هنگامیکه خون خود را در مقابل دشمن مهاجم میریختیم به حرمت همان خونهای پاک و مقدس قسم خوردیم که در اولین موقع و فرصت خون خود را نثار ناعینم تا ریشه خیانتکاران خودخواهمن پرور داخلی را برانداخته، ملت ایران را از سلطه رقیبت مشنی دزد و جنایتکار آزاد ناعینم!! آری از میان ۵۰ سال خیانت و جنایت و خون و آتش و اسارت و فقر و بیگانه پرستی شعارهای زوال رضاخان درباره ویزگیهای حکومت او بگوش میرسد.

"حکومتی که در فکر ایران باشد!!!"

حکومتی که فقط تماشاچی بدبختیها و فلاکت ملت خود واقع نگردد!! "حکومتی که تجلیل و تعظیم قشون را از اولین سعادت مملکت بشمار آورد، نیرووراحتی قشون را بیگانه راه نجات مملکت بداند!!"

"حکومتی که بیت المال مسلمین را وسیله شهوت رانی مفتخواران تنبل و تن پروران بی حمیت قرار ندهد!!" حکومتی که بازبچه دست سیاسیون خارجی نباشد!!

و . . . . .

خدایا بخون شهیدان و گلگون کفنان تمام میدانهای نبرد حق و باطل، بخون علی شهید عدل و قاطعیت و بخون سیدالشهدا و یاران هنگامه عاشورای او، خلق ما را در کوره نهضت و انقلاب خدایی و خلقی آنچنان آبدیده گردان که همه چهره های خطرناک و ضد انقلابی کلمه حق براد بها الباطل را از چهره های کلمه حق براد بها الحق باز شناسد.

پروردگارا تو خود وعده نمودی که رهروان وادی جهاد و شهادت را با همه پیچیدگی های امپریالیسم و نیروهای ضد خلقی آشنا نموده در گوران محاسنات مکتبی راهنا باشی، الدین جاهدو فینا لنهذبینهم سلینا، و اینک خلق رنج دیده ما پیراز سالیان بسیار دراز شکنجه و عذاب و ترور و اختناق و سرکوب جمعی، با کوله باری از رنج و شهادت و گاروانی از شهیدان در برهه های حساس و سرنوشت ساز از تاریخ با شکل دوباره همه نیروهای ضد خلقی برهبری امپریالیسم آمریکا مواجه است و توتای رب المستضعفین یاربمان ده تا چهره های مرجع مذهبی نما را هرچه بیشتر باز شناسیم، یاربمان ده تا نقاب تزویر و ریا را از چهره سرمایه داران وابسته ولیبرالیهای سازشکار بدریم . . . . . تا اجازه ندهیم همچنانکه در انقلاب مشروطیت گذشت، مرجعین و سازشکاران و زورناها خلعت انقلاب پوشیده و منافقان شعارهای مردمی مطرح سازند، بار خدایا انقلابیون مسلمان راستین را سه رهبری امام خمینی هدایت نما تا همچنانکه با حرکتهای مردمی تاکنون چهره بسیاری از منافقان مقدس نما ولیبرالیهای تشنه دموکراسی غرب را افشاء نموده اند. با اقتای هرچه بیشتر شرکت کنندگان در تشکل ضد خلقی سرمایه داران وابسته، مرجعین مذهبی نما، لیبرالیهای سازشکار و فئودالیهای خونخوار و بقایای رژیم پوسیده شاهنشاهی انقلاب اسلامی را تکامل بخشند و با ایمان و آگاهی و قاطعیت و تقوی انقلابی از تسکرات آنچه که بر انقلاب مشروطیت گذشت مصون مانند.

## مصاحبه های کوتاه با نمایندگان شبه جزیره عربستان

● سازمان ما در مبارزه علیه حکومت آل سعود ایمان دارد، خواه این مبارزه سیاسی باشد، خواه فکری - عقیدتی.

مقدمه:

گروههایی جنبشهای آزادبخش جهان بسا امکان داد تا با نقطه نظرهای آنها در مورد مبارزه ضد امپریالیسمی از نزدیک و از زبان نمایندگان این جنبشها آشنا شویم.

از میان نمایندگان توانستیم با برادران جنبش شبه جزیره العرب (عربستان سعودی)، گفتگویی داشته باشیم، تا از نقطه نظرهای آنان در مورد چگونگی مبارزه شان بر علیه امپریالیسم و رژیم آل سعودی مطلع شویم. آنچه که در زیر آورده میشود، خلاصه گفتگویی می باشد که ما با این برادران داشته ایم. امید آنکه با هرچه عمیق تر شدن مبارزات ضد امپریالیسمی در منطقه، گور امپریالیسم آمریکا کنده شود و نوید دهنده "المن صبح بقریب" باشد.

سؤال: لطفاً توضیحی درباره تاریخچه مبارزاتان و ریشه آن و اینکه چه صورت شروع شد و بدینجا رسید بدهید؟

جواب: قبل از شروع نهضت ما جنبشی داشتیم. در سال ۱۹۵۳ جهان عرب شاهد بزرگترین اعتصاب که همان اعتصاب کارگران نفت بود و بزرگترین ضربه را بر حکومت وارد کرد بود بطوریکه فرمانده همان منطقه، از پایگاه امریکایی مدد گرفت. در سال ۱۹۵۶ ۱۹۶۲ دولت ضربه کوبنده ای علیه مبارزان اعمال کرد. در آغاز سالهای ۷۰ و همزمان این نهضت شروع بیک سری کارهای سری و مخفیانه کردند و به مبارزان، عقیده و آیدئولوژی اسلامی را می آموختند تا با این فکر و اندیشه و با فعالیت خود درون این جنبش بتوانند در برابر حکومت موجود مقاومت کنند. این مبارزه برای سالهای بطول انجامید.

سؤال: حرکت این جنبش از نظر پیشانی اسلامی در چه سطحی است؟

جواب: در سازمان ما مذهب معینی وجود ندارد چرا که این امر باعث بروز تفرقه میشود و سنی و شیعی توده را از هم جدا میکند، اعتقاد بر اسلام اصیل و انقلابی و اسلام محمد درایم. اسلامی که پادشاهی و دیکتاتوری را محکوم میکند.

سؤال: مشروعبیت حکومت آل سعودی تا چه حد مورد قبول مردم عربستان میباشد؟

جواب: ملت میدانند که آل سعود فقط یک اسلام ظاهری و یوشالی دارد و خود را بمذاهب اسلام و مسلمان وارد کرده اند. ملت میدانند که اسلام پادشاهی ندارد ولی کسیکه بر ملت حکومت میکند نیرو و زور و تبلیغات است که برای آل سعود می باشد و این نیز در خارج است اما در داخل تبلیغات را ملت محکوم میکند.

سؤال: برنامه های کوتاه مدت و دراز مدت سازمان و استراتژی آنها به چه صورت می باشد؟ آیا آنان جنگ مسلحانه و ضربه زدن به منافع امپریالیسم امریکا و منافع آل سعود را در برنامه شان دارند و عملگرند فعلاً آنها چیست؟

جواب: سازمان ما در مبارزه علیه حکومت آل سعود ایمان دارد، خواه این مبارزه سیاسی باشد خواه فکری - عقیدتی و برانقلاب توده که بر حمایت از مبارزه مسلحانه و مبارزه سیاسی منکی است اعتماد دارد.

سؤال: جنگهای عربستان که بصورت مسلحانه بوده چگونه است؟

جواب: در عربستان برای ملت تحریک و جنبشی وجود دارد مثلاً در محرم پارسل و اسال تظاهرات عظیمی در منطقه شرقی و وقوع بیوسیت، این تظاهرات حدوداً ۱۰۰۰۰۰۰ تظاهرکننده داشت. سازمان به تحریک مردم اعتماد دارد و اگر مردم تحریک نشان دهند جنبش مسلحانه برای ما آسان خواهد بود.

در این تظاهرات ۶۰ شهید و تعداد ۳۰۰ زخمی از زنان، مردان و کودکان برجای ماند. در عرض مدت زمانیکه تظاهرات رخ داد، رژیم آل سعود ۱۲۰۰ نفر یا بیشتر را زندانی و دستگیر کرد و از کاندوهای امریکائی درنابودی و سرکوبی تظاهرات شدیداً استفاده نمود.

هم چنین از هلیکوپترها و مسلسلهای امریکائی، و حال آنکه مردم سلاحی بجز سنگ و چوب و شیشه و کوکتل مولوتف در اختیار نداشتند. هم چنین ذکر این نکته قابل توجه است که رژیم آل سعود برای سرکوبی مردم بی دفاع از ۲۰۰۰۰۰۰ هزار سرباز مزدور استفاده کرد.

سؤال: زندانیان سیاسی موجود در عربستان به چه تعداد رسیده است؟

جواب: ما نمی توانیم رقم مشخصی از زندانیان را ذکر کنیم، زیرا بطور گروهی و نه از یک منطقه، بلکه از مناطق غربی و شرقی مانند "ایاز" و "جده" و دیگر نقاط دستگیر میشوند.

سؤال: آیا این جنبش بعد ضد امپریالیسمی دارد و اصولاً تا چه حد از امپریالیسم امریکا شناخت دارد؟

جواب: شبه جزیره عرب (عربستان سعودی) مستعمره امریکا بشمار می آید. بعد از پیروزی انقلاب ایران، بسیاری از متخصصان ارتش و مستشاران نظامی که در ایران بودند، به عربستان سعودی سرازیر شدند و بسیاری از کارمندان و متخصصان شاغل در صنعت

## خانه برای بی خانمانها

سرماهداران و فزادن بیستال مال مصادر شده و در خدمت آنان قرار گیرد و لیکن بدلایل مساهمت دولت وقت و سایر مسئولین امور و مستاندر کاران بنیاد استفاده از توجه مالکیت مشروط و مشروع نه تنها صاحب خانه نشنند بلکه امروزه به عده ای هم که خانه یا اتالی رسیده بود باز پس گرفته و این طبقه محروم و دردمند را در فراتر و بیخاطر تر میگرداند. اگر چه بطرف بعضی از این محرومین رسیده اند و مسکنی در اختیار آنان گذاشته اند ولی از اجرای طرح هرشی و انقلابی واهه دارند.

حقیقت این است که مسئولین خیال میکنند که قادرند بسا نصیحت و مسوغه صاحبان خانه ها و ساختمانها را که از خون مردم مستضعف ما آجر روی آجر گذاشته رده راهی کرده و سرطاف آورند و این مشکل اجتمایی همچنان در پیفرله ها مانند استفاکرا گونه منان و . . . . نقش عمده ای داشته اند حل نمائند.

امروزه بحث بر سر مفروضاتی چون تعیین مالکیت های مشروع و اینکه مشروعاً چه کسانی حق داشتند صاحب خانه ها چندین طبقه کردند، بحثی عدالتمندی و گویا فراموش کرده ایم این سخن عمیق امام علی را که هیچ تروت انباشته و هیچ کاخ برافراشته ای را ندیدیم مگر بسایمال شده باشد. مگر میشود سرماهداران و غارتگران آنچه را که از راه چاول و غارت مسترنج کارگران و مستضعفین بدست آورده اند مشروع جلوه داد و حظاتی برایش قائل شد؟

اگر مسئولین امور دم از اسلام و پیرو علی برون میزند لابد میدانند که علی معتقد بود نتیجه دسترنج

دبران برای دهانهای دیگر نیست. و اگر حرف از علی میزند باید علی وار رفتار کنند باید پاتین های جامعه بالا بیاوند و سرتوت جامعه را بدست گیرند و پاتین ها پاتین برونند. اما می بینیم وضع بهمان منوال سابق است. پاتین ها، پاتین تر رفته اند این صیوه دقیقاً ضد علی و ضد اسلامی است.

مگر این علی نبود که در همان اولین روز خلافت اعلام کرد حق های مردم را که بنحق گرفته اند حتی اگر به کابین زانان برده باشند پس خواهیم گرفت و به صاحبان اصلیشان پس خواهیم داد.

گونه منان و پیفرله منان هرچه نشنند استغالی نینفاد و حلاوه قابل ذکری در زندگیشان رخ داد طره دست به دست دادند و مستظر نشنندند تا مسئولین بی مسئولیت پرایشان کار انجام بدهند. دیشب تعداد زبانی از اهالی جنوب تهران و زورآب کسرج و . . . . ساختمان چندین طبقه ای را که مستحق بسهمبرازی سرماهدار معروف بود به انفال خود بر آورند و در عین حال خروان تهیه مسکن برای طبقه بی خاننها و طبقات کم در آمد شده و حله به گونه منان است که در خیابان میرداماد مسکنی گزیده بودند محکوم کردند و خواستار ازای مسکنر همدگان کردند.

ما بار دیگر از مسئولین مسخرامه که تنها در سخن انقلابی نباشند، بلکه در عمل نشان دهند که در جهت مستضعفین و برای رعایت آنها از رنج و بدبختی گام بر میدارند.



پدر زنده است...



پدر:

ای فریاد بلند ایوذر،
ای خروش سهمگین حسین،
ای ندای آسمانی محمد،
ای پرتوی از قرآن!

چگونه باور کنیم مرگت را؟!
که فریادت...
بر بلندای نماز جمعه -
هماره در گوشمان است.

پدر:

چگونه باور کنیم مرگت را؟!
هنگامی که رو بهان،

آنها که سالیان دراز -
حتی توان شنیدن نامت را نداشتند!

پدر:

چگونه باور کنیم مرگت را؟!
هنگامی که امام فریاد میکند

"اسلام ایوذری را از دست داد"
و آیا ایوذر مرده است!؟

پدر:

نه پدر، تو زنده‌ای!
و رو بهان -
بر مرگ خویش به سوگ نشستند

چه میدانند:

که مرگ برای تو زندگی جاودان است!

و اینک پدر،

ای همراه حسین و ایوذر
ای معلم کبیر قرآن

قسم به جاودانگی
که راهت را تا رسیدن به
شهادت و شورا

ادامه خواهیم داد.
محسن ممتحنی
۵۸/۸/۲۴ تهران

بیاد صد هجدهمین روز از تقابل پدر طالقانی



انها، تعبیرات متفاوت را باعث میشوند، و گرنه «اصل مطلب» یکی است. در دنباله بحث امام تصریح دارد که سواد استفاده از این گونه گونی برداشتها، آتی در دست فرصت طلبان میشود برای رسیدن به هدفهای شخصی. اینکار بجای میسرند که فرصت طلبان و مرتجعین، رقبای خود را بر این اینکه از میدان بدر کنند تکفیر و تفسیق هم میکنند. بقول امام، «مثل آن اخلاقی که در مدرسه بین اخباری و اصولی حاصل شده است که گاهی میگویند اخباری، اصولی را مثلاً تکفیر هم میکند، اصولی هم اخباری را تکفیر میکند»

در دنباله سخن خود، امام با اشاره به فلسفه پردازانی که تحت تأثیر افکار فلسفی پیش از اسلام (فلسفه یونان، متافیزیک مسیحی) هستند، ذهنیت گرایی آنها را محکوم میکند و اظهار میدارد که: «هیچ من پادم نیست که علت و معلولیت و سببیت و مسببیت و اینها (در لسان ائمه) بسازد، خسالت و مخلوقیت هست اما تجلی هست، ظاهر و مظهر است، امثال اینها. باید ببینیم که این اهل عرفان که از این تعبیر فلاسفه دست برداشته‌اند و از این تعبیری که عامه مردم میکنند دست برداشته‌اند و یک مطلب دیگری گفته‌اند»

در حقیقت امام، کسانی که بسادست گرفتن اصطلاحات فلسفی و تکیه بر افکار فلسفی یونانی و غیر قرآنی، سعی در تکفیر و در نتیجه بیرون راندن رقبای سیاسی خود از میدان دارند، محکوم میکند. رهبر انقلاب بر این نکته بفرموده و اقیاف است که فهم این مسئله (کیفیت سبباً خلقت و...) بسیار مشکل است، از اینرو روش مسامحه آمیز عرفا و سعه صدر آنها را در برخورد با مسائل فلسفی به‌خلاق و روشنفکران توصیه میکند و تکیه بر اصطلاحات خنک فلسفی را برای وصول به حق مردود می‌شمارد. امام، بعنوان یک رهبر سیاسی که همیشه با واقعیت سروکار داشته، روشی پراتیک و مبتنی بر واقعیت را پیش پای ما میگذارد و از ما میخواهد که به پیروی از عارفان واقعی، سعی کنیم همیشه با واقعیات همساز باشیم نه با ذهنیات و دستگاههای فلسفی غیر علمی. حتی امام معتقد است که «تعبیرات در ادعیه ائمه، با تعبیر در لسان عرفا شبیه است»

از سوی دیگر، رهبر انقلاب، با سعه صدر خود، سعی در متحد ساختن تمام گروههای موحد دارد و معتقد است که این تعبیرات (تعبیرات عرفا از هستی و...) - که ظاهراً کفرآمیز می‌نماید - به خاطر قناعت کننده نبودن بعضی مفاهیم فلسفی است؛ «بنا بر این اخلاقی نیست که بگفته، بگفته را تکفیر کند چرا اخلاق؟ شما هم اگر بخواهید این معنار را تعبیر کنید چه جور تعبیر میکنید. بفرمایید در دل این آدمی که تعبیر نمیتواند بکند الا با اینکه یک چنین تعبیراتی بکند یک وقت هم، وقتی که در قلبش آنطور نور واقع میشود، میگوید که همه چیز اوست، همان اوست، شما هم در دعایتان هست که علی عین الله. یعنی چه؟ اذن الله، بدالله. یعنی چه؟ این همین تعبیر است که آنها میکنند... این همان معنای واقعی است که همه تان میگویند، لکن آن بنده خدای بیچاره‌ای که مطلب دستش است می‌بیند نمیتواند اینطور بگوید. وقتی نتوانست این مفاهیم فلسفی را بپذیرد روبرو تعبیرات دیگر میآورد. قرآن و دعا بر از همین تعبیراتی است که اینها میگویند. چرا ما بساید سواد سواد بکنیم به این خاصی که یک همچین تعبیراتی کرده‌اند»

می‌بینیم که امام با دست زد زدن به سینه کسانی که خواسته‌اند با ساختن دستگاههای فلسفی - ذهنی و تحمیل آن به اندیشه پاک مردم پیروزه جسرانان، به منظورهای سیاسی برسند و با تکفیر و التقاطی دانستن دیگران، آنان را از میدان بدر کنند. خط جدیدی به‌راه خط خدا می‌بایستی خود ترسیم میکند. خطی که خط مبارزه با انقلابیون روز آخر است که با طرح مسائل انحرافی فلسفی و با استناد به مفاهیم کهنه فلسفی (فلسفه یونان، متافیزیک مسیحی و بطور کلی فلسفهای پیش از اسلام) ذهن ساده جوانان را مسموم میکنند. مسأله‌ای که عمدتاً غیر علمی و صرفاً ذهنی است. در حقیقت امام به پیروی از قرآن که می‌فرماید ولاتقف مالیس لک به علم، سعی دارد ذهن جوانان را با واقعیت ملموس همساز کند و آنها را با واقعیات علمی آشنا سازد نه ذهنیات. امام بخوبی میداند که مسائل مادی وجود در قلمرو علم قرار نمیگیرد و در نتیجه کیفیت آن قابل شناخت نیست، بلکه تنها حرکت جهان و تغییرات تکاملی آنست که ما را به وجود قدرتی برتر واقف میسازد.

امام نیز به این داستان تاریخی یعنی استفاده از سلاح تکفیر واقف است: «ما معاصر بودیم با اشخاصی که خیلی عالم و عارف بودند و آنها هم تجلی و مظهر تعبیر میکردند. گمان نکند که هر کس یک مطلب عرفانی گفت او کافر است... خدا اجل از اینست که حتی جلوه او را بفهمیم. فقط ما میدانیم که قدرتی

برتر هست و آنرا رد نمیکنیم». در ضمن، واقع گرایی امام تا حدی است که این دستگاههای مختلف ذهنی - فلسفی را فرغ دانسته و اصل را حرکت و تکامل زندگی انسانها و بهبود زندگی ملموس آنها میدانند نه موضوع گیریهای ذهنی؛ «منظور من اینست که این سوء تفاهم برداشته شود و این اخلاقی که توی مدرسه است و جلوی معارف را بگیرد. اسلام فقط عبارت از احکام فرعیه نیست. اینها فرغند. اساس، اساس دیگریست. نباید ما اصغر را فدای فرغ کنیم»

در پایان امام مثالهایی از تنگ نظریهای مسلمانانها و کسانی که نان مکتب را میخورند، میآورد. رهبر انقلاب از فریاد یاد میکند که اطرافیان

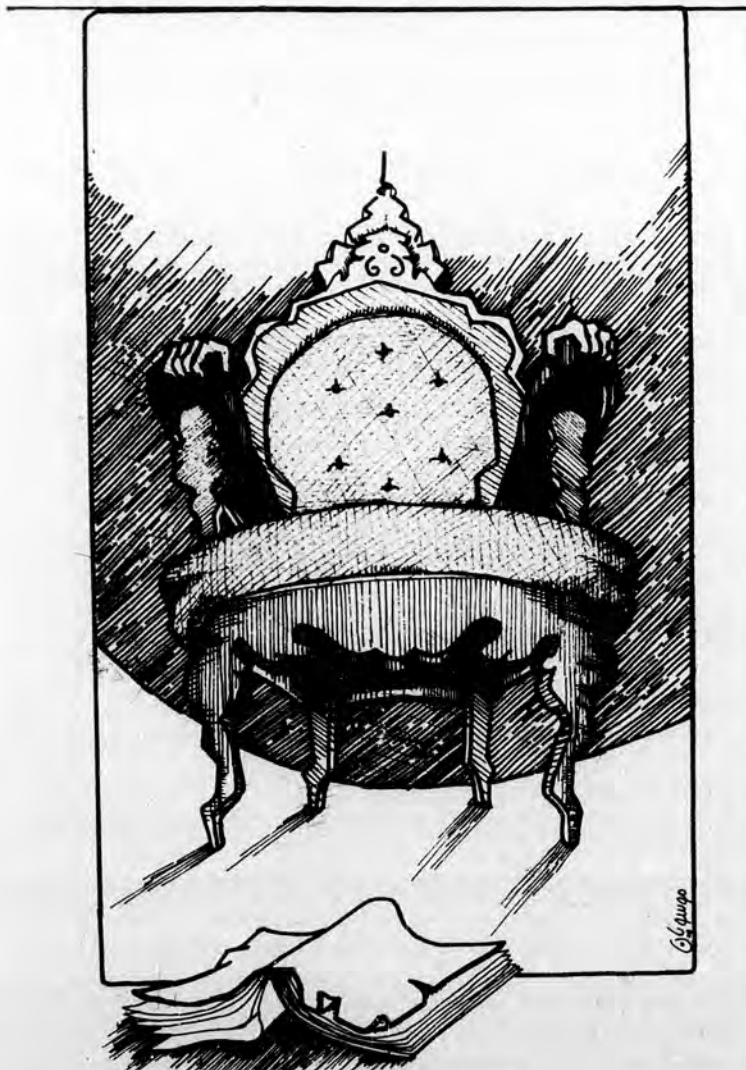
او را «عادل کافر» مینامیدند. بنظر امام، این فرد در حالی انسانی صالح و باتقوی بود، تنگ نظران و مرتجعین او را «عادل کافر» مینامیدند. حال، این بر حسب را مقایسه کنید با بر حسبهای امروزی چون «مارکسیست اسلامی»، «التقاطی» و... بهر حال سخنان امام، خط جدیدی است در مبارزه خلق، خطی که بسوی مبارزه با فیسلفوسفانها و کسانی که با تکفیر و تفسیق دیگران میخواهند کفر خود را بیوشانند و میراث انقلاب را به بغضا برند. البته این خط جدید، جدا از خط مبارزه با امپریالیسم نیست، چرا که این کسان، خود از جاسوسان و دوستان امپریالیسم‌اند.

گزارشی از وضع مردم نظر آباد

از مسائل دیگر این شهر ساله و بیلاهی بزرگ سرمایه‌دار معروف مقدم صاحب کارخانه است که خنک مفسان (امارین) میگویند اشغال آنجا حرام است ولی فریاد راستین اسلام علی و ایوذر آنرا کساری مشروع و مسال مستضعفین استعمار شده میدانند، زیرا میلیونها تومان زمین بفروش رفته و شهری بوجود آمده است که نه بیمارستان دارد نه جای کافی برای تحصیل که به اعتراف خود این سرمایه‌دارها مسئولند (مهندس مرتضی مقدم مدیر کارخانه و فرزند سرمایه‌دار معروف هنگامیکه شنید دختر ۱۸ ساله‌ای از زحمتکشان این کارخانه به خاطر سهل انگاری مسئولین جان خود را از دست داده است خود معترف شد که ما مسئولیم!)

و سرانجام باید به تمام مسئولین ذینفع تذکر داد که هر چه زودتر بیمارستان این شهر را که جزیره تعهدات بوده است بسازند، زیرا خشم مردم مستضعف از اینهمه استثمارگرها که بوسیله تعداد قلیلی سودجو انجام گرفته فزونی خواهد گرفت و اراده مستضعفان سرانجام کساختنشان مستکبر را نابود خواهد ساخت.

و باید افزود که هر فرصت طلبی را که بخواهد مسیر انقلاب اسلامی ما را با نقاب انقلابی بودن منحرف سازد باید اخطار امام خمینی را به گوش جان بشنود که: «نهفتت ما، نهفتت مستضعفین بر علیه مستکبرین است»



از اختلاف و از هه‌ها تا افترا و اتهام

بقیه از صفحه اول

حال با توجه به مطالب فوق، در زیر فرازهایی از سخنان امام را آورده و به تحلیل آنها می‌پردازیم: در شروع سخنان خود امام، اظهار میدارد که: «گاهی وقتها اختلافاتی که بین اهل نظر و اهل علم واقع میشود، برای اینست که زبانهای هم را نمیدانند. هر طایفه‌ای زبان خاصی دارد، و سپس مثالی را که پدر طالقانی هم میزد (انگور - عنب - ازوم) مطرح میکند. امام می‌افزاید که این اختلافات در برداشتهای ذهنی افراد، پدید آورنده مشربهای مختلف فلسفی، عرفانی و... شده است. در حقیقت منظور امام اینست که این اختلافها، اختلافاتی واقعی نیست، بلکه کسانی از این اختلافات در جهت منافع سیاسی و اجتماعی خود بهره‌برداری میکنند. در این رابطه امام صریحاً از گروهی که در بعضی محافل مذهبی سخن کافر قلنداد میشوند، جانبداری میکند و اعلام می‌دارد که زبان آنها (زبان عرفا) نزدیکتر است به زبان وحی و زبان ائمه. در جانبداری از این افراد، امام میگوید: «باید ببینیم که اینها که مثلاً از طبقه عرفا بودند، اینها در دهان چه بوده که آنچور تعبیر میکردند چی و ادارشان کرده است که آنطور تعبیر بکنند» امام، اذعان دارد که دیدهای مختلف افراد و در کهای متفاوت

بزرگ و اطرافیان برای آماده کردن زمینه قتل حسین (ع) و شاه برای توجیه کشتار مجاهدینی که بر علیه حکومت او می‌جنگیدند و... از سلاح تکفیر استفاده میکردند. خارجی، منحرف، مارکسیست اسلامی، التقاطی و... سیر تکاملی سلاحهایی است که برای کوبیدن مبارزین مکتبی و راستین که در برابر مرتجعین و فرصت طلبان مقاومت میکردند و میکنند، بکار میرفته و میروند. سخنان امام را در برنامه اخیر قرآن در صحنه، باید با توجه به مطالب فوق تحلیل کرد. در حقیقت این امام است که با حفظ دانه به جنبش اسلامی در برابر لامخورها و فرصت طلبان می‌ایستد. سخنان امام در برنامه «قرآن در صحنه» بار دیگر مشت مسلمانان غیر مکتبی و فرصت طلبانی را که از هر وسیله‌ای از جمله سلاح تکفیر در جهت منافع خود استفاده میکنند، باز کرد امام، با طرح خطی قاطع و قرآنی بار دیگر این صدای «ایمان و عمل» را در داد و اعلام کرد که هرگز فیلسوف‌نمائی و بحثهای ذهنی نمیتواند ملاک کفر و ایمان، صداقت و نفاق و... باشد. در حقیقت سخن امام انعکاس دیدگاه قرآن در باره مسائل هستی و زندگی است.

# وحشت کشاورزان از بقدرت رسیدن خانها

● مأموران کمیته‌ها، روستائیان در گیر با خوانین را کتک زده و پس از ارباب آنها ۷۰۰۰ تومان رشوه از آنها می‌گیرند و سپس به تبریز برمیگردند.

## گزارش دهقانی از منطقه کلیر

### موقعیت منطقه

منطقه ارسباران، آذربایجان شرقی که شامل یک شهرستان، چند بخش و حدود ۱۵۰۰ روستاست بدلیل موقعیت جغرافیائی و طبیعی و شرایط آب و هوایی خاصش محل مناسبی برای دامداری و کشاورزی است. این منطقه از آذربایجان دارای آب و هوای متفاوتی است. قسمتی از این منطقه شامل بخش کلیر - مغان - و بخش مرزی خمارلو - پارس آباد میشود دارای آب و هوای نسبتاً گرم و زمیتهای سطح بسیار مناسبی برای کشاورزی و بخصوص کشت گندم و جو - پنبه - برنج و انواع میوه‌جات میباشد و قسمتی دیگر از این منطقه که در طلع نسائی بخش کلیر واقع است (میته پاره) دارای آب و هوای معتدل و در بخشهایی از آن سرد، و کوه‌ها و جنگل و مراتع سرسبز بوده و محل بسیار مناسبی برای دامداری بسویزه نگهداری گاو و گوسفند میباشد.

این قسمت از ارسباران بیش از نقاط دیگر در فقر و فلاکت گرفتارند - مردم روستاهای این منطقه از کترین امکانات بهداشتی - فرهنگی - رفاهی برخوردار نیستند. در آنجا دهاتی هستند که مردم اگر بخواهند خردشان را از آنجا به نزدیکترین بخش که از امکانات ساده شهری برخوردار است برسانند باید ۱۲ ساعت با اسب بمانند.

اهالی این منطقه معمولاً با وسایل اولیه کشاورزی در زمیتهایی که گاه فاصله زیادی با آبانی دارد به کشت گندم مورد نیاز خود میپردازند و بقیه معاش خود را از طریق نگهداری گوسفند و فرشیانی برای سرمایه‌داران شهری که برای این منظور بایشان به‌روستا باز شده تامین میکنند.

### زمیتهای قابل کشت در اختیار فتودالها است

مراغ و زمیتهای قابل کشت روستاها معمولاً در اختیار فتودالهاست و مردم بواسطه ارتباط نداشتن با شهر و عدم رشد سیاسی، روابط فتودالی را که هنوز هم اعمال میشود گردن مینهند.

و جای تاسف بسیار است که قانون اساسی مصوب خیرگان هم این مراغ و زمیتهای را که خان‌ها با زور از دست کشاورزان گرفته‌اند تحت عنوان قابل تفسیر و تفسیر و حدود اختیارات و تصرف دولت اسلامی ندانسته و باصطلاح خردشان مالکیت بر آنها محترم شمرده است!

اما مناطق گرمسیر مغان، پارس آباد و خمارلو بدلیل وجود زمیتهای قابل کشت و حاصلخیزی مورد توجه سرمایه‌داران عمده شهری بوده و اینان بکلی زمینداران و خوانین بزرگ منطقه برای خرید و انتقال محصولات روستائیان به‌شهر و نیز فعالیتهای کشاورزی که با توجه به زمیتهای وسیع زیر نفوذ خوانین و نیروی انسانی ارزان سودرسانی عایدشان میکند، باهم جاده‌کشی توجه نموده‌اند و بهمین جهت از این نظر مردم زیاد در مضیقه نیستند، البته موضوع وجود فقر و فاصله شدید طبقاتی و روابط فتودالی حاکم بر منطقه را نفی نمیکنند، بلکه بهمان دلیلی که گفتیم این منطقه دارای زمیتهای حاصلخیز میباشد، مورد توجه خوانین و رؤسای ایلی بوده و حرص طمع آنها برای تصاحب زمیتهای وسیع را زیادتر کرده است.

فتودالهای بزرگ منطقه برای استثمار دهقانان منطقه دست به اقداماتی همدانسانی زده‌اند که در میان گزارش به یک نمونه از آن‌ها می‌پردازیم:

از فروردین ۵۸ کشاورزان آذربایجان بدنبال پیام امام خمینی از پاریس که کشاورزان را به کشت محصولات مورد نیاز کشور بخصوص گندم برای رسیدن به خودکفائی تشویق کرده بودند با علاقه و ایمان فوق‌العاده با تمام مشکلاتیکه در سالهای اخیر با مهاجرت روستائیان به‌شهر در روستاها بوجود آمده

انقلاب آشنا بودند با سببهای خوانین و سرمایه‌داران و عمال شاه سابق میرفت تا زمیتهای موجود یعنی فقر - عدم امکانات بهداشتی و فرهنگی بهانه قرار گرفته، تا آرامیتهای را در این خطه حساس بوجود آورد، که پس از آمدن آقای بهروز به مقدار زیادی این تبلیغات خنثی میشود. ایشان در اولین روزهای ماموریتشان به‌روستای اطراف رفته و زمیتهای تصاحب شده بوسیله خوانین را بین زارعین تقسیم و آنانرا به کشت و کار تشویق میکنند. از جمله این زمیتهای، زمیتهای فتودال بزرگ منطقه و نماینده سابق کلیر در مجلس شورایی یعنی اسداله محمد خاتلو، میباشد. وی پس از پیروزی انقلاب با شکایت دهقانان ارسباران دستگیر شده بود که با تسوئه‌چینی و صحنه‌سازی همکاران خود در ساواک و منطقه و اعمال نظر و نفوذ در کار دادگاه انقلاب تبریز آزاد و سپس فراری میشود و اکنون معلوم نیست که در کار تدارک چه تسوئه‌های باشد.

آقای بهروز به زمین مورد اختلاف روستای مشیران و حسین نصرتی را هم بین روستائیان تقسیم و از خان محل التزام میگیرد که برای دهقانان در درس فراهم نکند و دو پاسدار برای کمک بدهد تا در آنجا میگذارد که در آن حمله یکی از آنها بشدت زخمی و اسلحه‌اش گرفته میشود. پاسدار مذکور هم اکنون در سپاه پاسداران تبریز مشغول انجام وظیفه میباشد و شاهد این ماجراها بوده است. ولی نصرتی و عمالش پس از بازگشت رئیس دادگاه دوساره به‌ارباب و تهدید دهقانان می‌پردازند و تراکتور دهقانان را شکسته



و گوسفندان و اموال اهالی را با حمله مسلحانه به‌جابلو میبرد. دهقانان دوباره به کلیر آمده و شکایت میکنند که این بار آقای بهروز به پاسداران انقلاب به‌محل رفته و حسین نصرتی و دو برادرش را دستگیر میکنند و زمین را دوباره به دهقانان باز میگرداند. پس از دستگیری حسین نصرتی و برادرانش فامیلهای وی و دیگر خوانین عمده منطقه به‌تسوئه‌چینی و سببایی علیه آقای بهروز به رئیس دادگاه انقلاب کلیر می‌پردازند و در تبریز عده‌ای از روستائیان ناآگاه آن منطقه را که اکنون به‌شهر مهاجرت کرده‌اند جمع کرده و به‌خانه آیت‌اله مدنی نماینده امام در تبریز می‌برند و آنها از آقای بهروز به تره ایشان بدگونی و خواستار عزل او میشوند، ایشان هم متأسفانه بدون مطالعه از جوانب مسئله تلگرافی به‌دستاستی کل انقلاب زده و موضوع را با اطلاع آنها می‌رساند و داستان هم حکم عزل آقای بهروز به را میدهند تا باصطلاح «جلوی آشوب و بلوا در منطقه گرفته شود»!

### سبببایی علیه رئیس دادگاه انقلاب

بدنبال بخش این خبر در منطقه خوانین ارسباران که از چند ماه پیش سبببایی بر علیه رئیس دادگاه انقلاب را شروع کرده بودند و برای انحراف افکار عمومی او را «کمونیت» معرفی میکردند دوباره به‌تهدیدات و ارباب دهقانان پرداخته و آنانرا متقاعد میکنند که دولت اسلامی نیز حامی منافع باصطلاح «مضروع» آنهاست.

اهالی این منطقه نیز از این امر سبببایت متأسف شده و عده‌ای از اهالی روستای مشیران - ورگهان - پیراحمدلو و متعلق - که در مدت ماموریت رئیس دادگاه پیشین از آسایش خاطر برخوردار بودند به‌تبریز خواستار بازگشت حسن بهروز به به‌تبریز شدند و اظهار میکردند که اگر او برنگردد ما تا مین جانمان نداریم و از عمال خانها بخصوص حسین نصرتی که اکنون مانند مار زخمی خستگین است و در زندان تبریز بسر میبرد بشدت میترسیدند و از عواقب بقدرت گرفتن خانها در منطقه وحشت داشتند و هندار میدادند.

متأسفانه علیرغم موافقت استاندار و رئیس دادگاه

نامه‌ی زیر که از کشاورزان و جنوب شهر اهواز و از مؤسسه سابق برادران دولتی بدستمان رسیده است، حاکی از بسی مسئولیتی «مسئولیتی» است که خود را مدافع ستمدیدگان و مستضعف می‌دانند، ولی متأسفانه نه تنها کوچکترین عمل و قدم مثبتی در جهت حاکمیت این نیروهای بالنده برداشته‌اند، بلکه با حمایت از سؤمردگان و حامیان رژیم پیشین، به‌تسریع رشد ضد انقلاب کمک شایسته می‌نمایند. در قسمتی از نامه چنین آمده است:

امام عزیز: ما تعداد ۴۴ کشاورز که همه عمر خود را به کشت و زرع گذرانده و جزه کشاورزی هیچ کاری در طول عمر خویش انجام نداده‌ایم. باری امام ۱۰ سال پیش از طرف مالکان زور و زر به‌ما اطلاع داده شد که دیگر باید زمیتهای را تحویل دهید. و تنها بهانه آنها حومه قرار گرفتن این قسمت به‌شهر بود. در حالی که مؤسسه‌های دیگری وجود داشت که نسبت به ما شاید چند کیلومتر به‌شهر نزدیکتر بودند هر چند آنها هم یکی بعد از دیگری به‌سروقت ما دچار شدند و ما چون کار دیگر و سرمایه‌ای در دست نداشتیم که با آن اصرار معاش کنیم با این خواسته غیر قانونی مخالفت کرده سرسختانه در مقابل آنها ایستادگی کردیم. چون زمیتهای مزروعی ما در مجاورت رودخانه‌کارون قرار داشت و آب مصرفی کشاورزی خود را از آن تهیه میکردیم آن را قطع کردند و ما را از طریق قطع آب در مضیقه قرار دادند. تا شاید تسلیم آنها شویم ولی ما چاره‌ای جز کشتن قنات ندیدیم و هر دو نفر کشاورز یک قنات کندییم تا از آب آن کشت زارهای خود را آبیاری کنیم. از آنجا که مالکان نسبت فامیلی با خانواده دربار و دیگر مسئولین استان داشتند بوسیله ژاندارمری حوزه کتوت عبدالله و به‌کمک سروان جمالی که ریاست ژاندارمری اهواز را داشت همه زحمت ما را هدر دادند و با بلند زور و دیگر وسائل که میتوانست در خدمت کشاورزی مملکت قرار گیرد. قناتهای ما را که با هزار زحمت کندییم بودیم خراب کردند و با همان وسائل محصولات سبز ما را که همه سرمایه ما بود زیر و رو کردند و حتی به‌اطساقهای مسکونی ما رحم نکرده و آنها را ویران کردند ما در مقابل ظلم آنها ایستادگی کردیم و باز به‌کشتن چاه مشغول شده و سرانجام مانند بار اول حادده تکرار شد و بهر مرجع و با مقام مسئولی که شکایت میکردیم جواب رد میدادند بیش از ۱۵ و کیل پایه یک از تهران و شهرستان گرفتیم و بعد از مدتی که از وگالت آنها میگفتند در اثر تهدید یا تسطیع مالکان و دیگر مسئولین ضمن ابزار تاسف از وگالت خود عذر خواهی میکردند چنانکه یکی از این وگیلهای بدون اینکه از کار کرده خود خجل گردد گفت که قبل از شما به‌من پول دادند و مبلغ آن هم بیشتر از شما بود در نتیجه ما مجبور شدیم همراه خانواده‌های خود حتی شیهارا در

انقلاب تبریز با آقای بهروز به، آقای مدنی و دادستانی انقلاب جواب مشخصی به‌متحصنین ندادند و آنان پس از ۵ روز تحصن بسون در سیات جواب قطعی به‌روستاهای خود بازگشتند. ما با توجه به‌حساسیت منطقه و وجود فتودالهای وابسته به‌رژیم سابق که در این منطقه قدرت مطلقه بودند و دارای نفوذ زیادی هم هستند و مردم بدلیل سالها زیر سلطه آنها بودن از مخالفت با آنها میترسند، از دوباره بقدرت رسیدن خانها در منطقه بشدت نگران بوده و امیدواریم پس از انعکاس این خبر مقامات مسئول بفکر دهقانان زحمتکش این منطقه حساس باشند و با ابقای آقای حسن بهروز به در دادگاه کلیر از بروز یک خطر حتمی که همان بدبینی روستائیان این منطقه نسبت به‌دولت اسلام و بقدرت رسیدن مجدد خانها است جلوگیری کنند این اعمال تسویه جلب رضایت روستائیان خواهد شد و آنان باور خواهند داشت که دولت جمهوری اسلامی در مقابل فتودالهای استثمارگر از آنها حمایت میکند. گزارش از هواداران جنبش مسلمانان مبارز - تبریز

## حکومت اسلامی باید موازین انقلابی اسلام را پیاده کند

● آنهایی که دیروز به انقلاب سیاه بهلوی میبایندند، امروز به انقلاب شکوهمند اسلامی ما می‌نازند، بدون آنکه حتی یک روز در راه پیمانی‌ها شرکت داشته باشند.

مزارع بگنرانهم و از املاک مزروعی خود حفاظت نناتیم در یکی از این سیاه پلاد و هلیکوپتر که یکی دارای نور افکن زده و دیگری فرمز بود بر فراز کتوت زارهای ما به‌روز در آمدند و عده‌ای نیز از زمین با جیبهای ارتشی که از همان حوزه ژاندارمری آمده بودند ۲۵ نفر از ما را گرفتند و در حوزه کتوت عبدالله بازداشت کردند و درازای آن‌ها از ما خواستند که به‌واگذاری زمیتهای رضایت دهم ما به‌خرواسته آنها جواب رد دادیم و چون مقاومت ما را میدیدند چندین نفر از عشایر را با چوب و چقاق مجهز کردند عده‌ای از ما را زخمی و چند نفر از ما را به‌سختی مجروح نمودند و مجبور شدیم دست و پای آنها را کج بگیریم. خود آنها که ما را زده بودند به‌همان حوزه شکایت کرده و آن حوزه هر دو طرف را به‌بزرگ فتونی به‌ریاست دکتر محمد علی علم (فراماسون معروف و همکار صمیمی رژیم گذشته که اکنون بسا باخطر همین فعالیتهای در زندان اهواز است و بنا به‌حکم دادگاه انقلابی زندانی است و تحت بازداشت قرار دارد) فرستاد آقای دکتر علم نیز بدون اینکه به‌ما نگاه کند که ببیند چه کسی مجروح شده ما را سرحم شناخت و چند نفر را با دست و پای شکسته به‌زندان انداختند مالکان از خدا بیخبر یعنی حاج محمد علی خان دولتی - حاجی خان دولتی - کریم دولتی و دکتر منوچهر خان دولتی که این زمیتهای را از پدر جبار خود یعنی حاج محمد تقی خان دولتی به‌راثت برده بودند آنقدر نفوذ و قدرت داشتند که هر کاری که میتوانستند میکردند تا اینکه دست ما را بطور کل قطع کرده و حتی اجازه نزدیک شدن به‌زمیتهای مزروعی خودمان را نسی دادند چون حوزه ژاندارمری کتوت عبدالله مامورین خود را برای خدمت به‌مالکان و خیانت به‌مردم ستم دیده به‌آنجا فرستاده بود و مالکین نیز در این مدت زمیتهای را به‌آقای حاج کرملی مهدیان زمین فروش معروف شهر اهواز فروختند و او هم به‌قیمت گزاف بین مردم شهر فروخت که در این خرید و فروشها پنجاهگانهای فراوانی به‌فروخت رسیدند آقای مهدیان در گذشته بهر طریقی که میشد حق انسانهای ضعیف را می‌بلعید. امروز نیز بنا به‌قدرت که دارد به‌همان نحو گذشته در سایه اسلام و مسلمانی به‌اسلام و مسلمانان ضرب می‌زند و از جانب بعضی از مسئولین نیز حمایت میشود. امام بزرگوار: همانطور که خودتان فرمودید نباید هم از اینها انتظار دیگری داشت زیرا اینها همانهایی هستند که در دوران سیاه گذشته بر سروقت مردم حاکم بودند ولی دیگر برای ما مسلمانان قابل تحمل نخواهد بود که همان ظلمی بر سرمان رود که در گذشته میرفت الان مدت ۹ ماه است که از پیروزی انقلابمان میگذرد و مسئولین مربوطه همان جوابی را میدهند که دیروز دادند زیرا بسیاری از مسئولین همانهایی هستند که در گذشته بودند ولی با یک تفاوت، که آن‌ها همه مردم کشورمان میدانند یعنی آنهایی که دیروز

# استعمار صهیونیستی و آغاز مبارزه مسلحانه در فلسطین ۴

## سپتامبر ۱۹۷۰، سال مرگ و خون



در خانواده فلسطینی از ملگک حسین بیس اولس فاحه دره اورغولر فلسطین داردن بیوع بیوس. در آزا سال اناعل و ترابط درخانواده اردن هاشمی فابل نامل و حساس سطر سرمد. سارمان العنق که هرگونه ایده و فکری وارد چنت هرگونی رژیم اردن هاشمی ندجا. رد می بود و درهاض زمان نیز تکران روس وعلتگر در زمان هاشمی ماند جبهه ملی برای رادی فلسطین و جبهه دیموکراتیک برای آزادی فلسطین و جبهه موکرا نیکواری فلسطین در این زمینه بود.

در خانواده فلسطینی از ملگک حسین بیس اولس فاحه دره اورغولر فلسطین داردن بیوع بیوس. در آزا سال اناعل و ترابط درخانواده اردن هاشمی فابل نامل و حساس سطر سرمد. سارمان العنق که هرگونه ایده و فکری وارد چنت هرگونی رژیم اردن هاشمی ندجا. رد می بود و درهاض زمان نیز تکران روس وعلتگر در زمان هاشمی ماند جبهه ملی برای رادی فلسطین و جبهه دیموکراتیک برای آزادی فلسطین و جبهه موکرا نیکواری فلسطین در این زمینه بود.

در خانواده فلسطینی از ملگک حسین بیس اولس فاحه دره اورغولر فلسطین داردن بیوع بیوس. در آزا سال اناعل و ترابط درخانواده اردن هاشمی فابل نامل و حساس سطر سرمد. سارمان العنق که هرگونه ایده و فکری وارد چنت هرگونی رژیم اردن هاشمی ندجا. رد می بود و درهاض زمان نیز تکران روس وعلتگر در زمان هاشمی ماند جبهه ملی برای رادی فلسطین و جبهه دیموکراتیک برای آزادی فلسطین و جبهه موکرا نیکواری فلسطین در این زمینه بود.

در خانواده فلسطینی از ملگک حسین بیس اولس فاحه دره اورغولر فلسطین داردن بیوع بیوس. در آزا سال اناعل و ترابط درخانواده اردن هاشمی فابل نامل و حساس سطر سرمد. سارمان العنق که هرگونه ایده و فکری وارد چنت هرگونی رژیم اردن هاشمی ندجا. رد می بود و درهاض زمان نیز تکران روس وعلتگر در زمان هاشمی ماند جبهه ملی برای رادی فلسطین و جبهه دیموکراتیک برای آزادی فلسطین و جبهه موکرا نیکواری فلسطین در این زمینه بود.

است. بدین ترتیب از این پس دولت اردن خود را نمی داند که در فلسطین زمینها بدین موافقت کند. قانونی با مرحله اجسرا گذار. علیرغم تالیب مقاومت فلسطینی برای داشتن خودمختاری باید و رویتسه با همکاری بین دویاران کنیگنوسیه بیوسی افریقا آسوانوستی مقاومت فلسطین. بهشتی علی پدیدار کرد. چه دولت اتحاد جماهیر شوروی یکی از اولین کشورهای دوگما دان را می بواق بهتقسیم فلسطین در اوایل ۱۹۴۷، و به رسمیت شناختن دولت صهیونیستی اسرائیل، میبناست. علاقه استهبان واقعی برای فلسطینی ها باشد.

است. بدین ترتیب از این پس دولت اردن خود را نمی داند که در فلسطین زمینها بدین موافقت کند. قانونی با مرحله اجسرا گذار. علیرغم تالیب مقاومت فلسطینی برای داشتن خودمختاری باید و رویتسه با همکاری بین دویاران کنیگنوسیه بیوسی افریقا آسوانوستی مقاومت فلسطین. بهشتی علی پدیدار کرد. چه دولت اتحاد جماهیر شوروی یکی از اولین کشورهای دوگما دان را می بواق بهتقسیم فلسطین در اوایل ۱۹۴۷، و به رسمیت شناختن دولت صهیونیستی اسرائیل، میبناست. علاقه استهبان واقعی برای فلسطینی ها باشد.

است. بدین ترتیب از این پس دولت اردن خود را نمی داند که در فلسطین زمینها بدین موافقت کند. قانونی با مرحله اجسرا گذار. علیرغم تالیب مقاومت فلسطینی برای داشتن خودمختاری باید و رویتسه با همکاری بین دویاران کنیگنوسیه بیوسی افریقا آسوانوستی مقاومت فلسطین. بهشتی علی پدیدار کرد. چه دولت اتحاد جماهیر شوروی یکی از اولین کشورهای دوگما دان را می بواق بهتقسیم فلسطین در اوایل ۱۹۴۷، و به رسمیت شناختن دولت صهیونیستی اسرائیل، میبناست. علاقه استهبان واقعی برای فلسطینی ها باشد.

چوانه ای بوده. حزب وی هروع (ترانامی سیاسی ایتوپیک) را که از طرف سازمانهای فلسطینی ایجاد شود، نمی پذیرد. وی همچنین اضافه میکند که حمایت کشورهای عرب مرفوسی نسبت به سازمانهای کاندوئی تاکتیکی بیش نمی باشد. زیرا این دولت ها برای پوشاندن ضعفها و ادعای داخلی خود وجلب حمایت بودهای عرب در حزب فلسطینی هم چنین اضافه کردند. دبیر حزب کمونیست هم چنین اضافه می کند که: «کاندوهای فلسطینی توانائی ترا ندارند که در سازمانهای ایتالیائی نفوذ کنند، زیرا آنان باید همواره با یکدیگر درآیند. در نتیجه زمانی که آنها موفق می شوند به داخل خاک اسرائیل نفوذ کنند، هرگونه خواهد توانست با مردم محلی آنجا هماهنگ شوند. چقدر هر حال خارجی محسوب خواهند شد.» وی سپس اضافه میکند:

«رهبران فلسطینی محتاج به حمایت یک ابرقدرت هستند، تا بتوانند برای وسعت بخشیدن به حضور خود در صحنه بین المللی و دریافت کمکهای مادی و سیاسی موفق شوند. این امر عجله نیست مگر از طرف اتحاد جماهیر شوروی»

تکلیف جبهه کاندوئی کمونیست های طرفدار تصمیم گیری در مورد طرفدار روسیه شوروی نمودند. هرچند که در صحنه سیاست فلسطین موجودیت خود را در عرصه نمایش نگذاشتند. از این رو در ماه مارس ۱۹۴۷ سازمان جدیدی متولد می شود. بنام اتحاد (هواناران) که بعد از راهپیمایی با شرکت کمونیست اردن می باشد. از این سازمان به عنوان «فرقه کاندوئی کمونیست» نام می بردند. این فرقه از ۱۱ تا ۱۲ آدامه می یابد. ۹ زوشن ملگک حسین قبل از رسیدن به کازخود بود که یک محاصره گرفتار می شود که جان سالم بدر می برد. در این موقع مشاور وی و فرمانده ارتش سید ناصر جمیل در کنار ملگک حسین بودند.

بلاخره در دهم زوشن ملگک حسین با سرعوت با خود راهپیمایی های عراقی تشکیل جلسه داد. اعلام آنتیسمی می کنند. این آتش بس فوراً «مورد اجرا گذاشته می شود. در این روزها سرعوت با خود فلسطین و کاندوئی از سازمان آزادی بخش فلسطین خواهان استقلال عمومی ملگک حسین، سید ناصر جمیل و سرعوت وی میسوزند تا که هرگز فراماده نشود. روزی از مطاعهای خود می شوند. زیرا آنها نفوذ قابل توجهی در ارتش دارند تا دستخدا. ادامه دارد

در خانواده سلطنتی، از ملک حسین پیش از پیش خواسته میشد بطور جدی بر علیه کوماندو هائیکه شهرها را آید اشغال خود در آورده و نیز اردوگاههای تعلیماتی چریکها که بیک سازمان پلیسی بدل گشته بود، اقداماتی انجام دهد.

در خانواده سلطنتی، از ملک حسین پیش از پیش خواسته میشد بطور جدی بر علیه کوماندو هائیکه شهرها را آید اشغال خود در آورده و نیز اردوگاههای تعلیماتی چریکها که بیک سازمان پلیسی بدل گشته بود، اقداماتی انجام دهد.

در خانواده سلطنتی، از ملک حسین پیش از پیش خواسته میشد بطور جدی بر علیه کوماندو هائیکه شهرها را آید اشغال خود در آورده و نیز اردوگاههای تعلیماتی چریکها که بیک سازمان پلیسی بدل گشته بود، اقداماتی انجام دهد.

در خانواده سلطنتی، از ملک حسین پیش از پیش خواسته میشد بطور جدی بر علیه کوماندو هائیکه شهرها را آید اشغال خود در آورده و نیز اردوگاههای تعلیماتی چریکها که بیک سازمان پلیسی بدل گشته بود، اقداماتی انجام دهد.

## انقلاب و جنگی کاندیدایها

بلاخره در صورت ادعای مبارزه با امپریالیسم به تک کدام نیرو میخوانند به سلطه امپریالیسم آمریکا بماند؟ داوطلبانی که طرز تفکر لیبرالی دارند و مستقیم و غیر مستقیم وابسته به جریانات لیبرالیستی می باشند یا منحل استعمار امپریالیستدین آرا طرح می کنند و باجلی سطحی از کنار آن می گذرند. یعنی عناصر و جریانات امپریالیستی با پیچیدگی خاصی عمل میکنند بطوریکه شخصی مایهت آنان در وهله اول و باینده نشوار است. باید دانستکه غیر از جریان سیاسی راستگرایان که در ناسی با محافل لیبرال آمریکا عمل میکرد و میکنند و تنها و تنها معدودی از عناصر روماندینگان آن نشاخته معرفی شدهاند. هستند کسانی که با همان مایهت از راستگان امپریالیستی در جهت روی آوردن به سرمایه داری اروپا یا به خصوص فرانسه عمل میکنند این گروه از لیبرالهای انقلابی ناسی که ظاهر بدانشان تئورهای انقلابی اقتصادی فراوان هستند. مکتبی - عقیدتی خود را در همین چندروز در شوره و اسلوب تبلیغاتی خود بوضوح نشان دادند. درست است که منافع متزکیسی امپریا و متحدین اروپائی آن وجود دارد و در مسائل جنبی همه در کنار هم قرار دارند. لکن همه می دانیم که در آنالها قبل از این و بخصوص سرعوت آنها که در راستان دولت فرانسه قرار دارد خواهان استقلال نسبی اروپا و رقابت با قدرت استعماری جهانی می باشند - این رقابت که فقط مربوط به استعمار کشورها و تسلط بر مناطق ثروتمند جهان است. در مایهت این تئورهای نهمند، دول سرمایه دار اروپا نظیر فرانسه و آلمان وانگلیس مایهت اداری بر سطح بر سرمایه داری اروپا باقی مانده با برای کلا و صنایع و جنگ آفرمای خود هستند.

مایهت آنها همفداستعماری و تجاوزگر است که آمریکا، نفارت و اختلاف ایندو در همان سطح است که بین امپریا وانگلیس در برابر نهضت ملی ایران درگرمی درگرمی وجود داشت. انواع امپریا در فریادت با انگلیس و اروپا کتب انبازات اقتصادی و سیاسی و متحدین شدن در ایران او ایسل، سیاست جهانی از انگلیس نسبت به نهضت ملی ایران برکت یافت و این امر سبب شد که دکتر مددی و نهضت ملی ایران استقلال عمل خود را از دست بدهد و به امر انگلیس شوند. زیرا او هرگز خودمختاری بود آماده و داوطلب مکیدن خون ایران است.

مایندهت آنها همفداستعماری و تجاوزگر است که آمریکا، نفارت و اختلاف ایندو در همان سطح است که بین امپریا وانگلیس در برابر نهضت ملی ایران درگرمی درگرمی وجود داشت. انواع امپریا در فریادت با انگلیس و اروپا کتب انبازات اقتصادی و سیاسی و متحدین شدن در ایران او ایسل، سیاست جهانی از انگلیس نسبت به نهضت ملی ایران برکت یافت و این امر سبب شد که دکتر مددی و نهضت ملی ایران استقلال عمل خود را از دست بدهد و به امر انگلیس شوند. زیرا او هرگز خودمختاری بود آماده و داوطلب مکیدن خون ایران است.

کراک سرمایه دار وانگری میسند کهمدی جز تسلط بر ما ندارند. این همطنان عزیز از داوطلبان سؤال کنید با کدامیهای امپریالیسم در داخل یعنی با سرمایه داری وابسته چه خواهی کرد. آیا ارتش را از وابستگی خارج میکنی کرد. آیا پلی گویند؟ آیا بقایای داوطلب و کمونیست متحد آنان را نابود میسازد، آیا پلی گویند؟ آیا با پلیس امپریا و جریان راستگرای مخالفین مبارزه می کند؟ آیا از مجری و سرمایه داران دادی استعماری چه خواهد کرد؟ اگر نتواند به سلطوهای خود با سرعوت بدهد، احتمال میدهد که با لیبرالهای دارند. فرقه پاره ما که دسته سه سرمایه قدرت را لیبرالها، رنجمن فرقهست یا (کتابتصالحات بانجام سرمایههای انقلابی هستند) از اتحاد نمودن، که فراموش نگردد باشد در روزهای اول کتیم که در اجتماعات و قدرت اداره کشور را داشت. فرقه فوری است و سرمایه است. علیرغم وابستگی با لیبرالهای میدان را چنین آغاز می خواند. اگر اکنون - جانی وطنی و غیره - البته شرف مبارزه عد امپریالیستی داشتهایم و رهبری ما مایهت و اشتغال داشتهایم و بهر سطح امام - جریان لیبرالیسم و رنجاع را تا اندازهائی ضعیف کرده است، لکن هنوز

انقدر قدرت ونفوذ دارند که تا این لحظه میشود ادعا کرد تحت شرایط کنونی و اگر تحولی در واقع رخ نداد و اشتغال آزادی عمل نماند، رنجمن چه خواهد کرد از میان لیبرالها بگریزد. خواهد شد. فرقی نمیکند که بکدام جریان لیبرالی وابسته باشند. امپریا و لیبرالها می مستقیم یا غیر مستقیم، با دانسته یا ندانسته، بعضی میدانند که چه میخوانند و بعضی هم میکنند، بعضی همان پیش را دارند ولی نمیدانند که در ضمن کدام جریان با درنگ چه انتخابی میسوزند. مایهت مهم بعدی در شناخت سرمایه داری لیبرال، تا نگوییم است که این انتخابی وی سرمایه داری رها می کند، یعنی هر چه زود بهت روی عمده تری نسبت به مبارزه با سرمایه شتابان استعمارگر است. بمرود وعده شان و سخن و کار و گفتیم با حق و بهر - بر داری از ما ندان و خاتمرنگی میسند. اینکار و دلداری: بگو اینکه میسند. مردم از جریان اقتصادی رنج میسوزند. بنگاری

و کراتی بیهاد میکند. پس برای جلب آرا مردم بجای طرف ریشته بحران که سلطه امپریالیسم آمریکا و اروپا بود، دست به سلطه ملی می بردند و بدین سلطوایت وعده دروغ میدهند. این کوپیم دروغ زیرا حل بحران اقتصادی آن رها که با صلح ملت و انقلاب مردم حفظ شود قبل از راهپیمایی سلطه نشان در کشور با پایگاههای آن غیر مکتب است. با این را نمیدانند - پاس بندرت ریاست جمهوری میسوزند، یعنی میسازند با میخوانند بحران را به کمک همان شاخصین کل کنند. شاخصین آمریکایی از اروپایی و ژاپنی فرقی نمیکند، در صورتیکه از اروپایی انجام ندادهاند، اینکار های شاه مرمی سادات هم انجام دادند و نتایجش را دیدیموس بنیم و این دلیل دوس است که می خواستیم با بکنیم. سرمایه با اینکار ملگک را در وابستگی امپریا دران آمریکا و اروپا و این نگاه میسازند. هر رای او برداند هم کشور را در جنگ بینگانی نگاه میسازند.

و کراتی بیهاد میکند. پس برای جلب آرا مردم بجای طرف ریشته بحران که سلطه امپریالیسم آمریکا و اروپا بود، دست به سلطه ملی می بردند و بدین سلطوایت وعده دروغ میدهند. این کوپیم دروغ زیرا حل بحران اقتصادی آن رها که با صلح ملت و انقلاب مردم حفظ شود قبل از راهپیمایی سلطه نشان در کشور با پایگاههای آن غیر مکتب است. با این را نمیدانند - پاس بندرت ریاست جمهوری میسوزند، یعنی میسازند با میخوانند بحران را به کمک همان شاخصین کل کنند. شاخصین آمریکایی از اروپایی و ژاپنی فرقی نمیکند، در صورتیکه از اروپایی انجام ندادهاند، اینکار های شاه مرمی سادات هم انجام دادند و نتایجش را دیدیموس بنیم و این دلیل دوس است که می خواستیم با بکنیم. سرمایه با اینکار ملگک را در وابستگی امپریا دران آمریکا و اروپا و این نگاه میسازند. هر رای او برداند هم کشور را در جنگ بینگانی نگاه میسازند.

# منشأ «سیا» و سازمانهای آن



بعلت شرایط حساس تاریخی انقلاب اسلامی ایران و ویژگیهای آن از یکسو و آغاز مبارزه ضد امپریالیستی (فعلاً در حد شمار و تظاهرات توده‌ای و نه یک اقدام انقلابی برای خشکاندن ریشه‌های سلطانی آن)، شناخت بیشتر از عملکردهای ضد انقلابی امپریالیسم سرکردگی آمریکا و دستگاههای جاسوسی آن یعنی «سیا»، ما را بر آن داشت تا علیرغم جابجایی مقاله در مورد شناخت از شیوه‌های دخالت آمریکا در نیلی، با باز کردن و پرداختن به تاکتیک‌های «سیا» برای واژگون نمودن حکومت ملی‌اند، توجه نیروها و عناصر ضد امپریالیسم و توده‌ها را باین مسئله جلب کنیم که آمریکا با نظر گرفتن شرایط ژئوپلیتیک ایران و ذخائر نفی آن (که برای آمریکایی جهانخواهر جهانی است) و همچنین از لحاظ استراتژیک و نقش ژاندارمری ایران در گذشته جهت حفظ منافع ارباب خود، بسادگی حاضر نباشد ایران را به پشته‌های پایداری مطمئن که حافظ منافع عظیم آنها در منطقه بوده است، از دست بدهد. از این جهت با سود جستن از شکست‌های تلخ تاریخی کشورمان و سایر ملل تجربه‌آمورده و با هویدایی انقلابی در مسیر جامعه‌ی طبقه توحیدی، کید و حمله‌های جهانخواهران را خنثی و انقلاب را تا قطع تمام وابستگیها و سرکسری باگانه‌های داخلی‌اش، تداوم بخندیم.

## تلاشهای امپریالیسم آمریکا

امپریالیسم آمریکا که تمام نیروها و تلاشهای خود را برای خنثی کردن انقلاب بکار گرفته است، اگر در مقابل وحدت توده‌ها و سازمان‌پذیری امام خمینی نتواند به هدف خویش دست یابد، در به انحراف کشاندن آن (با بطوروت رساندن عناصر لیبرال و یا با ایجاد شرایط نامناسب از طریق برپا آوردن اغتشاش و جنگهای داخلی، بیکاری و فلج کردن اقتصاد از طریق محاصره اقتصادی و تبلیغات و تلاش برای ستزوی کردن رهبر انقلاب) دست می‌زند تا زمینه‌های عینی اجتماعی و ذهنی توده‌ها را برای تحمیل یک دیکتاتوری نظامی و یا هیرنظامی در زیر محاصر مبارزه با بیکاری، نامتنی، تعدیل قسمت‌ها و سهپا ساختن شرایط اجتماعی و اقتصادی بهتر، آماده کند. مقصود از انقلاب و عمل داخلی امپریالیسم با بسج و تشکل دوباره خود روز بروز مواضع جدیدی را بدست آورده تا هر چند گاه پلورا و اغتشاشی را در تنظیمی برپا آوردند با وجود همدارهای فراوان نیروهای مترقی و ضد امپریالیسم، ارگانه‌های اجرائی و تصمیم‌گیری دولتی و فوری انقلاب هیچگونه نسبی که حاکی از درک آنها از ماهیت امپریالیسم و مبارزه علیه آن باشد، نرسانده‌اند. چنانکه گرتی هیولانی نام امپریالیسم عینت خارجی نداشت و ندارد که آقایان بخواهند با آن به مبارزه برخیزند. البته اگر تاکنون مسائلی را در این مورد گفته‌اند، صرفاً یک تاکتیک سیاسی برای راضی کردن خلق بوده است. زیرا از نظر ما مبارزه علیه امپریالیسم راهها و شیوه‌های عملی خود را می‌طلبد که مشخصاً آن ناپه‌ی سرمایه‌داری وابسته، عناصر فئودال و تصفیه عناصر مزدور در ارتش و جریانه‌های لیبرالی و همچنین سرترجمین است. اکنون روشهای آمریکا و سازمان جاسوسی «سیا» را در نیلی مورد بررسی کوتاهی قرار میدهم.

## مداخله «سیا» در نیلی

در سال ۱۹۵۸ زمانی که آئند برای اولین بار خود را نامزد ریاست جمهوری میکند و افشنگن برنی بقدرت نرسیدن وی، اقدام به حمایت و کمک کردن به احزاب غیر کمونیستی می‌نماید و از طرفی برپا کردن میتینگ‌های تبلیغاتی سعی میکند چهره ملی و مترقی آئند را لو ت و وی را متزوی کند. دلیل اینکه آمریکا با این سرعت و فوریت بر علیه وی وارد عمل میشود، به سبب طرح‌های مترقی آئند در برنامه‌های انتخاباتی اوست. البته وی تا سال ۱۹۷۰ همچنان در معرفی برنامه‌های دولت آئند خود ناهتقدم باقی می‌ماند. آمریکا گمان میکرد که به سرور تغییراتی در برنامه‌های آئند بوجود خواهد آمد که منافع او را در نیلی به مخاطره نخواهد انداخت. زیرا آئند مصمم بود اقتصاد صنایع سنگین، فرهنگ‌های کشاورزی و مؤسسات بانکی را در نیلی ملی کند. روابط دولت خود را با کشورهای سوسیالیستی و

دولت بی‌تغیر نیروها تکیه دشمن آئند بودند، در جریان انتخابات چهار سپتامبر خرج کند. البته این فقط نیسی از سرمایه‌گذاری آمریکا در انتخابات نیلی بوده است، بقیه آن صرف تبلیغات برای تأخیر گذاشتن بر آرای رأی دهندگان نیلی بوده است.

قبل از انتخابات نیلی، سفیر آمریکا در سانتیاگو و سازمان «سیا» و افشنگن را مستفاد کردند که «الکساندری» پیروزی را بدست خواهد آورد. اما علیرغم نظر آنها، آئند با اکثریت آراء پیروز میشود.

## ● از سال ۱۹۷۰ «سیا» یک سری برنامه‌های گسترده تبلیغاتی علیه آئند آغاز میکند، تا به توده‌ها بقبولاند که در صورت پیروزی وی، کشورشان در خشونت و اختناق اجتناب‌ناپذیری فرو خواهد رفت.

در این زمان رهبران سیاسی آمریکایی نتوانند شکست خود را که توسط اراده خلق نیلی بر آنها تحمیل گشته بود، مشاهده کنند.

از این رو بعد از قرائت آراء بی‌درنگ نیکیون برای مانع شدن از انتخابات آئند توسط کنگره وارد عمل میشوند. در ۱۵ سپتامبر، کمیسیون ۴۰ از نسو تشکیل جلسه داده، چراغ سبز به سازمان جاسوسی «سیا» میدهد تا کشور را در اغتشاش و ناامنی غرق کند. همچنین با خرابکاری در اقتصاد کشور و فلج کردن آن قصد برپا آوردن نارضایتی عمومی، افزایش بیکاری، کمبود مواد ضروری و ... برای وارد آوردن ضربات بعدی را داشتند.

در ۱۸ سپتامبر اجلاس دیگری تشکیل میشود و از آنس جاسوسی آمریکا مأمور میشود برای انجام این برنامه‌ها مبلغ ۸۵۰ هزار دلار بپردازد. ۳۵۰ هزار دلار به صد تطمیع اعضاء کنگره برای اینکه آنها «الکساندری» را بر ریاست جمهوری برگزینند بقیه آن یعنی ۵۰۰ هزار دلار دیگر صرف هزینه‌های تبلیغاتی علیه آئند گردد.

این کمیسیون (۴۰) اختیارات لازم را به «سیا» میدهد تا اقدامات لازم را برای ریختن طرح یک کودتای نظامی انجام دهد. چراغ سبز که در آن زمان رئیس مرکزی «سیا» بود اعلام میدارد که:

«۱۰ میلیون دلار در اختیار وی گذاشته شده بود تا این مأموریت (کودتا) را با انجام برساند برای عملی ساختن این منظور. عوامل «سیا» تسامح‌هایی با زترالهای ارتش برقرار می‌کنند

یک گروه از افسران که به وسیله «سیا» مورد پشتیبانی و حمایت قرار گرفته بود موفق می‌شوند لفظ فرمانده کل ارتش، ژنرال هرونه اشتایدره را بقتل برسانند. آنها با این کار خود موفق نمی‌شوند کنگره را از انتخاب آئند بر ریاست جمهوری منصرف کنند.

با روی کار آمدن آئند، بسیاری از فرکته‌های آمریکایی را که در بخش استخراج مس (از آنجمله کپاتی - آناکورا مستعلق به خانواده راکفلر)، زغال‌سنگ و پانگاک فعالیت می‌کردند، ملی اعلام شد. قبل از انتخابات ۴ سپتامبر، یک فرکت چند ملیتی آمریکایی بنام تلفن و تلگراف بین‌المللی آئی. تی. سی. که بالغ بر ۱۰۰ میلیون دلار در نیلی سرمایه‌گذاری کرده بود، به سهم خویش نگرانی خود را در صورت پیروزی آئند به اطلاع دولت نیکیون رسانده، نتایج منفی آنرا بر اقتصاد آمریکا متذکر میشود.

آئی. تی. سی پیشنهاد یک سرمایه‌گذاری بسیزان

یک میلیون دلار بولت می‌کند تا بدین طریق وسایل ناساکی آئند را فراهم سازد اما افشنگن که از پیروزی الکساندری مطمئن بود، این پیشنهاد را نمی‌پذیرد.

بعد از موفقیت آئند، دولت نیکیون از شرکت چند ملیتی آئی. تی. سی می‌خواهد که بمنظور واژگون ساختن آئند بطور فشرده و سیستماتیک با سازمان جاسوسی سیا همکاری کند. قبل از هر چیز آنها متفقاً تصمیم می‌گیرند، تمامی نیروی خود را برای ایجاد اغلال در اقتصاد نیلی متمرکز کنند. (همین سیاست در مورد ایران، بعد از انقلاب بکار گرفته شد تا بتوان از این طریق عناصر سازشکاری را که در مقام‌های تصمیم‌گیری و اجرایی هستند به تسلیم واداشت، در صورت مقاومت مردم و قاطعیت امام با ادامه این شیوه سعی خواهند کرد شرایط لازم را برای اجرای برنامه‌های سلطنتی بکنند یعنی وجود آوردند.)

برای آگاهی یافتن از همگامی دولت آمریکا (به پشته نماینده سرمایه‌داران و تراست‌ها کارتل‌ها) با مدیر سابق آئی. تی. سی، یعنی ویلیام ماریام، کالیست گفته شده که این دو در طول سالهای ۱۹۷۰ تا ۷۲ متجاوز از ۲۲ بار (سامی بیکار) با یکدیگر ملاقات داشته‌اند.

هدف آمریکا از نظر اقتصادی آن بود که آئند را از تمام امکانات اقتصادی برای ادامه سیاست‌های محروم کند. استراتژیست‌های آمریکایی فکر می‌کردند با فلج کردن اقتصاد آن کشور، سعی توان جوسوی از خشونت، اختناق و بی‌نظمی‌های اجتماعی و روانی را بوجود آورد، که ضرورتاً یک کودتای نظامی را اجتناب‌ناپذیر خواهد کرد.

جنگ اقتصادی دولت نیکیون علیه آئند، به فرم قطع دادن اعتبار (دادن وام) به نیلی، برای سرمایه‌گذاری این تصمیم ایالات متحده، از حمایت و پشتیبانی گروه‌های بانکی اصلی و صنعتی آمریکا برخوردار بود. آمریکا با استفاده از سلطه خویش در مؤسسات مالی بین‌المللی، باعث گردید که این مؤسسات از دادن اعتبارهای دوباره چند جانبه و با کمک‌های مالی دیگر خودداری کنند.

از سوی دیگر دولت آمریکا خود نیز این کمک‌ها را به حداقل تقلیل داد. چنانچه کمک‌های دو جانبه این کشور که در سال ۱۹۶۹، ۳۵۰ میلیون دلار و در ۱۹۷۱ به ۱/۵ میلیون دلار کاهش یافت و اعتبارات بانک صادرات و واردات آمریکا که در سال ۶۷، مبلغ ۳۳۴ میلیون دلار بود، در ۱۹۶۲ به ۲۹ میلیون دلار و ۱۹۷۱ به صفر رسید.

وام‌های فرکته‌های چند ملیتی، انتر امریکن و بانک توسعه داخلی که آمریکا از ۴۶ میلیون دلار در ۱۹۷۰ به دو میلیون دلار تنزل یافت. متقابلاً بانک کار در بین سالهای ۷۰ تا ۷۳ هیچ تسووع و امسی به دولت نیلی نپرداخته است. همان زمانیکه کمک‌های اقتصادی آمریکا به نیلی برای بی‌سپاتی اقتصادی و سیاسی آن کشور قطع شده بود ولی کمک‌های نظامی به این کشور توسط امپریالیسم آمریکا به شکل قابل توجهی افزایش یافت. میزان کمک‌ها که در ۱۹۷۰ بالغ بر ۸۰۰ هزار دلار بوده در سال ۷۱ به ۵۷ میلیون دلار رسید (این مقدار در سال ۱۹۷۲ به دو برابر ۷۱ بالغ گشت ۱۲۳۳ میلیون دلار) این آمار گویای تصمیم جدی آمریکاست مبنی بر سرنگونی رژیم اتحاد ملی نیلی است.

## انقلاب و جهتگیری‌های کانیدها

بخش از صفحه ۶

سالهای سیاه را در امنیت و عافیت به‌مطلعمه و ترجمه و تحقیقات علمی و ادبی گذرانده، اکنون برای پرکردن کارنامه مبارزاتی خود اگر یک نهار هم با فلان شخصیت سیاسی-اجتماعی و یامذهبی خود خود است بحساب می‌آورد.

واما معیارها مهم دیگری در تشخیص صلاحیت و خط عملی آئند نامودها، نیرو-هایی است که سعی در جلب آراء آنان میکنند و با تکیه بر آن نیروها میخواهند بقصدت برسند. تردید نیست که هرکس بردوش هر کس سوار شد، ناچار از عمل به چیز است که وی میخواهد. در اینجا نمی‌تواند گفت با هر وسیله‌ای میتوان بقدرت رسید و بعداً بطور دلخواه عمل کرد یعنی هدف وسیله را توجیه نمیکند. اگر کسی به کمک سرمایه‌داران بقدرت رسید ناچار از حفظ منافع آنان است. اگر کسی به کمک فرماندهان نظامی و یا طرفداران بختیار بقدرت رسید در همان جهت حرکت خواهد کرد.

هر نامزدی که مدعی مبارزه ضد امپریالیستی است باید بتواند بکمک توده‌های میلیونی و مبارز ایران به قدرت برسد. باید بر خود خود نیروهای فراهم آورد که او را در این راه کمک کنند، کسانی که ظرف یازده ماه گذشته و پیش از آن مستقیماً "در خط مبارزه ضد

و برضد آن می‌بینند، از نظر بینین خود عدول کرده و اصلت و سازش نایدیری و درستی راه خمینی را نائید میکنند. وقتی در برابر امام، همه عناصر سازشکار و لیبرال، مرتجعین، سرمایه داران وابسته، فئودالها و نظامیان وابسته را می‌بینم نباید دراصلت و درستی راه وی در مبارزه با شیطان بزرگ تردید کنیم.

در طول انقلاب ونا امروز چه نیروهایی در خط مبارزه اصیل امام صادفانه حرکت کردند و جان باختند؟ و چه نیروهایی در مقابل آن فرار گرفته و برضد وی عمل کردند؟ حوادث یازده ماه گذشته هر کدام معیاری برای تفکیک نیروها بود. اکنون داوطلبان باید معین کنند که با کمک کدام نیروها، نیروهای ضد خمینی و نیروهای خمینی‌نا ویا نیروهای صادق و وفادار به راه خمینی میخواهند بقدرت برسند. در اینجا خمینی سمدل وحدت خلق در مبارزه ضد امپریالیستی است - کسیکه همه نوظئه‌های دشمن علیه اوست و برای تضعیف قدرت و رهبری وی بکار رفته و می‌رود.

کسیکه بکمک هر کدام از این نیروها بقدرت میرسد و یا جلب رای میکند ناچار از حرکت در همان خط است. البته خمینی ناهما نظاهر به تبعیت از راه امام میکنند ولی معیارها تکیه ببتسرام بریدیم اگر در موردشان بکار رود، ماهیت آنانرا آشکار می‌سازد.

در بحث از کسانی که روی برنامه‌های رفاهی و مادی تکیه میکنند باید مستمک امنیت را هم اضافه کنیم که بعضی با اشاره به اغتشاشات و تحریکات ضد انقلاب بی-آنکه به ریشه‌های آن که مربوط به توطئه‌ها و نفوذ شیطان بزرگ یعنی آمریکا است، با اشاره سرتزی به لزوم برقراری امنیت، بی-خواهند توده را فریب دهند و جلب آراء کنند.

هوسطان عزیز- برادران و خواهران مبارز: می‌دانیم بعد از خواندن این مقاله خواهید گفت - جز آنکه کار ما را دشوار و انتخاب را عملاً غیر ممکن ساخته‌اید، چه هنری بخرج داد‌اید. حق را بشما میدهم ولی فراموش نکنید که دشواری مربوط به شرایط عینی و ذهنی جامعه است - ساخته قلم و ذهن ما نیست واقعبت دارد و بهمین دلیل معتقد بودیم برای انجام این کار مهم و انتخاب صحیح و مطلوب وقت بیشتری را در اختیار جریان لیبرالی ضربه خورده ولی کاملاً " فاش و از کود خارج نگردیده، جریان ارتجاعی ضربه خورده ولی هنوز نیرومند است. خمینی ناهما هنوز بسازند و حرکت اصولی در این میان بچشم نمی‌خورد، و شانس موفقیت ندارد. همانطور که گفتیم با تکیه به افشاکریهائی که بطور ناقص انجام شده یکی از عناصر لیبرال که بپیچیده تر عمل میکند و یا کسی که ماهیت و بنیشت لیبرالی دارد ولی نظاهر نبود کمتری داشته و برای مردم ناشناخته مانده است ولی در اصل در دامن جریان لیبرالی بزرگ شده و باز بجهت دست آسان است، برکسی ریاست جمهوری تکیه خواهد زد. اگر راهی باشد و مفردی در تنویق محدود انتخابات و کار توضیحی و افشاکری بیشتر است.

فرستی نیست باید تا حطاصیل امام خمینی همه جریانات غیر اصیل را از خود خود دور کند و رسوا سازد و چهره‌های ظاهر الصلاح و حتی با حسن نیت فراوان به مردم شناساند شوند.

هم اکنون بخوبی معلوم است که اکثریت خلق تصمیم نهایی خود را نگرفته است زیرا معیار و شناخت کافی برای انتخاب قطعی و اطمینان بخش ندارد. منتظر است تا چه اشارهای بعمل آید - اشاره‌ای که ممکن است از ناچاروی متوجه کسی گردد که بهر حال نظیر این انقلاب و مکتب و شایسته برای ادامه مبارزه سهمگین علیه شیطان بزرگ و بیچیده و خطرناک امریکان باشد.

## هر نامزدی که مدعی مبارزه ضد امپریالیستی است باید بتواند بکمک توده‌های میلیونی و مبارز ایران بقدرت برسد

همان لیبرالها، مرتجعین، فرصت طلبان و سرمایه داران بودند و هستند که راه‌نفاق پیش گرفته‌اند تا منافع خود را حفظ و انقلاب را از مسیر صحیح منحرف سازند. اما اگر در روزهای نخست بعضی سردید داشتند امروز همه نیروهای اصیل اذعان دارند که خط خمینی خط اصلی مبارزه ضد امپریالیستی است، بعضی که در اصلت این راه شک داشتند امروز که در جریان بزرگ و خطرناک لیبرالیسم و ارتجاع را در مقابل

### چه کسانی مشاور اول خصوصی شاه را آزاد کردند؟!

دکتر علیقلی اردلان کارنامه اردلان

ورود به وزارت امور خارجه ۱۳۰۲/۵/۲۴  
 وابسته سفارت برلین ۱۳۰۲/۱۰/۱۲  
 مترجم اداره اطلاعات وترجمه ۱۳۰۸/۱/۱  
 عضو اداره اقتصادیات ۱۳۰۹/۱۰/۱  
 نایب سوم سفارت واشنگتن ۱۳۱۰/۱۲/۲۹  
 نایب دوم سفارت واشنگتن ۱۳۱۲/۵/۱  
 انتقال به وزارت دارائی ۱۳۱۲/۹/۲۰  
 انتقال مجدداً به وزارت امور خارجه ۱۳۱۲/۱۱/۱  
 دبیر سوم سفارت پاریس ۱۳۱۵/۲/۱۷  
 دبیر اول سفارت پاریس ۱۳۱۶/۱/۴  
 رابین سفارت پاریس ۱۳۱۹/۱/۵  
 کاردار سفارت پاریس ۱۳۱۹/۹/۸  
 تصدی ریاست اداره سوم سیاسی ۱۳۲۱/۷/۱۶  
 رابین سفارت کنسول آنگارا ۱۳۲۲/۷/۳۰  
 معاون کفیل سیاسی وزارت امور خارجه ۱۳۲۷/۹/۲۲  
 رئیس هیئت نمایندگی دائمی ایران در سازمان ملل متحد ۱۳۲۹/۵/۳  
 عضو شورای عالی سیاسی ۱۳۳۴/۳/۱  
 وزیر مشاور، وزیر صنایع و معادن ۱۳۳۴/۸/۱۹  
 وزیر امور خارجه ۱۳۳۴/۱۰/۳  
 سفیر کبیر ایران در واشنگتن ۱۳۳۷/۲/۱۶  
 قائم مقام شرکت ملی نفت در آبادان  
 سفیر ایران در مسکو ۱۳۴۰  
 سفیر ایران در آلمان غربی  
 ریاست دانشکده علوم و ارتباطات اجتماعی  
 رئیس هیات امنای دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی  
 آخرین وزیر دربار محمد رضی خاکن مخلوع ۱۳۵۷/۷/۴

دکتر علیقلی اردلان با سابقه ننگین ۵۲ سال خدمت به خاندان منصور پهلوی و اربابان خارجی و خیانت به ملت ستمکشیده ایران و عامل عقد بسیاری از قرارداد های ایران نبود کن سالهای پس از کودتای ۲۸ مرداد در مقام وزیر و سفارت، مهره حساس آمریکائیان در پیمان بغداد و به گفته روزنامه لوموند مورخ ۲۷ سپتامبر ۱۹۷۹ "مشاور اول خصوصی شاه" یعنی شریک تمامی جنابتهای محمد رضی خاکن به همّت فرزندان مسلمان و غیره ایران پس از سقوط کاخ استبداد دستگیر و تحویل زندان قصر گردید. خبر دستگیری و زندانی شدنش در جریان از جمله در اطلاعات ۲۹ اسفند ۵۷ مندرج می باشد.

مع الاسف بجای بازجویی و محاکمه در پیشگاه خلق مسلمانان ایران جهت توضیح جنایات ۵۲ سال خیانتش به ملت و توطئه هائی که با اربابان خارجی و داخلین در مسیروا بسته نمودن ایران به امپریالیسم آمریکا و گشودن صدها راز برای ملت و به مجازات اعمال ننگینش رسیدن توسط عوامل خائن و جنایت- کاری که در "دادستانی کل انقلاب"، "زندانها" و... مصدر امور گردیده اند از زندان فراری داده شده است.

طرفه تر آنکه دائره روابط عمومی زندان اوین در پاسخ اینکه "چرا اردلان آزاد شده شده است؟" متکبرانه چون در پرونده اش جرمی موجود نبوده...!

## مرتضی صمدیه لباف، الگوی ایثار

مجاهد شهید



مسلمانان مهاجر و خانه بندوش صدر اسلام زیست. در سالهای پس از هجره شهریور ۵۰. سازمان مجاهدین تحت فشارهای شدید و از جمله مضمینه مالی قرار داشت. مجاهد صمدیه لباف از جمله افرادی بود که با روزی ۲۰ ریال صبحانه و ناهار میخورد و در نتیجه پس از چندی زخم صحنه گرفت. پس از سال ۵۰ در عملیات زیادی شرکت کرده بود. تا سال ۵۴ رژیم از مخفی شدنش هیچگونه اطلاعی نداشت. گفته یکی از همزمانش «از صحبت هاتیکه میکرد چنین بنظر میرسید که از فرار مجاهد رها رهایش از زندان رژیم باخبر بود و بهت آنکه ساواک او را نمی شناخت، از طرف سازمانش مأمور نظارت بر رها بود»

همراهش حسن عقب رفتن و تیراندازی. همه مأموران را فراری میداد و سلامت با سلامت علامت باز میگردد.

مجاهد صمدیه لباف در ترسینات تیراندازی از فشنگ و گلوله فابریک استفاده نمیکرد و بجای آن از فشنگ های دستساز که خود میساخت استفاده می نمود. چرا که معتقد بوده یک گلوله فابریک میتواند در بعضی مواقع نقش استراتژیک داشته باشد

عشق عمیق او به توده های مردم با چاشنی عین فدا بود و در سخت ترین شرایط، هرگز این عشق و علاقه را از یاد نمی برد. شهید صمدیه در بهار ۵۴ در گوری که با یک استوار زاندار می و یک سرباز سپید می کند، با هوشیاری که همراه عشق به مستضعفین بود، استوار فرور را با یک تیر خلاص می کند ولی سرباز را فقط از پا هدف میگیرد، تا نتواند او را تعقیب کند. عشق به توده های چنان ذاتی او شده بود که بسین یک استوار فرور و یک سرباز مستضعف و رنجبر در یک لحظه حساس فرق میگذارد.

شهادت او در صحنه تاریخ مبارزات خلق، نمونه یک انسان مجاهد را نشان میدهد که الگوی ایثار در راه عقیده و زندگی را در مفهوم هدیه و جهاد جستجو کرد.

چهارم بهمن ماه، سالگرد شهادت مجاهدی است که خلف پاک و صادق، آن سردار جنگل، کوچک انقلابی بود. خلف پاک و صادق که همچون آن پسر جنگلی، تنها در برابر دشمن و منافقین، تا پای جان ایستاد و مقاومت نمود. مجاهد مرتضی صمدیه لباف، که در ۱۶ اردیبهشت ماه ۵۴ در توطئه های بوسه منافقین مجروح و سپس بدست جلازان رژیم سفاک پهلوی دستگیر شد. پس از شکنجه های بسیار در چهار بهمن همان سال شهادت رسید.

زندگی مبارزاتی او بقدری صریح و روشن است، که خود او ملاکی برای تشخیص حق و باطل گشت، آنقدر صریح و قاطع که برادران مجاهدش میگفتند «هر کجا صمدیه هست حق هم هست و هر کجا حق است صمدیه آنجاست». حتی منافقین که او را «خان شماره ۴» می نامیدند، نتوانستند در مقابل حماسه جاودانی که مرتضی آفریده بود، تاب بیاورند و پس از چند سال بناچار در اظهارات خود تجدید نظر کرده و او را شهید نامیدند. منافقین تمام کوشش خود را در وارونه نشان دادن شخصیت صمدیه بکار گرفتند و خواستند تا او را همکار دشمن جلاجلو دهند و به علت این تبلیغات منحرف شخصیت آن مجاهد آنقدر پوشیده ماند که تا مدتها در زادگانش (اصفهان) او را نمی شناختند و حتی در بعضی موارد عکسهای او را از دیوارها پائین می کشیدند. ولی حماسه مقاومتش در زیر شکنجه های جلازان رژیم و رفتار انقلابی او را کسی نمیتواند از یاد ببرد.

مرتضی صمدیه لباف قبل از سال ۵۰ به عضویت سازمان مجاهدین درآمد. دیری نگذشت که پس از هجره شهریور ۵۰، کلانهای مرکزی سازمان با شهید گشته و با به زندان افتادند. صمدیه پس از هجره تمام وجود خود را در اختیار سازمان مجاهدین خلق قرار داد. از سال ۵۰ تا ۵۴، پانزده خانه عویش کرد و همچون

### گزارش ویژه خروج امام خمینی از عراق

اطلاع رسیده حاکیست که بدنبال مضمینه هاییکه از طرف دولت عراق اخیراً در مورد روح اله خمینی ایجاد گردیده، مشارالیه اعلام کرده که تصمیم دارد کشور مزبور را ترک نماید.

در باره محل اقامت بعدی او گفته شده که وی قصد دارد فعلاً به سویت برود و از آنجا احتمالاً به سوریه یا ترکیه عزیمت خواهد نمود.

آنچه که مسلم است، دولت عراق با ایجاد محدودیت برای خمینی، عملاً در وضعیتی قرار گرفته که نمیتواند در آینده نسبت به سوی روشن مسانحات در پیش بگیرد و لذا برای رهایی از این بن بست کنونی، خروج خمینی را از این کشور استقبال میکند. خمینی هم که به جهت محدودیتهای مذکور قادر به ادامه فعالیت و تحریکات علیه ایران نیست، ترجیح میدهد که از عراق خارج شود.

بنابراین خارج شدن وی از کشور مورد بحث امری است که قریباً واقع میشود. اما نکته اساسی در این مورد آنست که این شخص بعد از خروج از عراق به کجا خواهد رفت.

احتمالات و امکانات در این زمینه متعدد است و موارد قوی قابل پیش بینی بشرح زیر میباشد:

۱- با توجه به اینکه در یکسال اخیر تبلیغات زیادی بنفع وی در ایران صورت گرفته و برای او این اعتقاد حاصل شده که در داخل ایران طرفداران زیادی دارد، احتمال دارد که ناگهان تصمیم بگیرد همراه با اطرافیان خود به ایران بیاید. او در این مورد بر این باور تکیه دارد که وجود طرفداران زیاد او در ایران پشتوانه ای برای فعالیت آزادانه او در جهت تعقیب هدفهایش در داخل کشور خواهد بود.

۲- به کشور سوریه برود. حکومت علوی سوریه

نماطوب و سرکوبی اقدامات اخلاکگانه آماده باش برقرار و پیش بینی های لازم بعمل آید. در صورت بروز آلوده های پرفلانه در هر نقطه، حکومت نظامی برقرار شود و به اخلاکگران و عناصر آموخ طلب فرصت بهره برداری داده نشود.

۴- آیات و مراجع مذهبی مسلم کشور که باستانی چند نفر معوده از آنها، عموماً در باطن با خمینی مخالفند نسبت به حساسیت موضوع توجه شوند تا بر اثر ترس از ایضی وی و با ملاحظات و محظورات دیگر دست به اقدامات حساب نشده ای نزنند.

۵- کلیه طرفداران و ایضی شناخته شده خمینی در نقاط مختلف کشور، به بلافاصله دستگیر شوند تا مجال انجام تحریکات مضره و ایجاد اغتشاش پیدا نکنند. چنانچه خمینی کشور دیگری را غیر از ایران برای اقامت انتخاب کند، اقدامات زیر ضروری احساس میگردد:

۱- اعلام آماده باش به واحدهای نظامی و انتظامی بنظور جلوگیری از وقوع حوادث اخلاکگانه در داخل کشور و صامت از توسعه چنین حوادثی.

۲- از هم اکنون تدارکات اطلاعاتی لازم فراهم آید تا با برقراری یک سیستم کنترل و کسب اطلاعات بموقع، بتوان از تصمیمات و ارتباطات بعدی وی اطلاع حاصل نمود.

۳- از طریق سیاسی، با وزارت امور خارجه کشور محل اقامت مشارالیه تماس حاصل و مناسبات کشور هدفنشاهی با کشور میزبان پیدا شود و نقطه نظریهای ضدایرانی خمینی متحول و اصلاح گردد که دادن هر گونه آزادی عمل باین شخص نتایج خواهد داشت که در نهایت روابط حسنه در کشور را مورد کدورت و خنده قرار خواهد داد. مراتب جهت استحضار خاطر ظریف شاهانه از عرض گذشت.

**هفته نامه امت شماره ۴۱**

**چهارشنبه ۳ بهمن ۱۳۵۸ سال اول**

**زیر نظر:**

**نورای نویسنده گان امت**

**خیابان بهار شمالی نقش خیابان نامجو**

**۸۲۴۹۸۲ - ۸۲۴۸۳۱**

چاپ: شرکت افست سهام عامه

راستی در "دادستانی کل انقلاب" و "دادگاههای انقلاب" چه می گذرد؟ و از دیدگاه آنان چه عملی "جرم" محسوب میشود؟ بهتر است به سخن همدردی از خیسل همدردان، قاضی شرع انقلابی مخلوع دادگاههای انقلاب اصفهان حجت الاسلام امید نجف آبادی گوش کنیم که با اندازه کافی پاسخگوی سئوال فوق ما میباشد:

"دادگاههای انقلاب در حقیقت دارد اصالت خودش را از دست می دهد. بنظر بنده رسالت دادگاههای انقلاب این نیست که مثلاً "چند فاحشه را بگیرد و اعدام کند و با چند هروئینی و زناکار را محاکمه کند. رسالت دادگاههای انقلاب این است که در مقابل جنایتکاران و سران جرم، فساد و ظلم بایستد. کار دادگاه انقلاب این است که در مقابل کسانی که یک عمر مردم را غارت کرده اند بایستد و اگر این کار را نکنند اصلاً کار نکنند بهتر است..."

بهر حال دادگاههای انقلاب باید بیابند دست از محاکمه افراد مستضعف بردارند و بیابند مستکبرها را هدف اساسی و نهائی خودشان قرار دهند.

از مصاحبه مجله "اتحاد جوان با حجت الاسلام امید نجف آبادی شماره ۱۸ مورخ ۱۳۵۸/۱۰/۲۹

ما از دادستانی کل انقلاب و سایر مقامات مسئول ملکیتی می خواهیم تا عاملین این خیانت را به ملت مسلمان ایران معرفی و بیش از این با دستاوردهای خون بیش از ۵۰۰۰ شهید و ۱۰۰۰۰ مجروح و حیثیت اسلام انقلابی و استقلال ایران بازی نکنند و از دفتر رهبر امت، امام خمینی می خواهیم جریان را تعقیب نمایند.

در انتظار پاسخ دادستانی کل انقلاب

### حکومت اسلامی باید موازین...

بقیه از صفحه ۵

به انقلاب سپاه پهلوی میبایدند امروز به انقلاب شکوهند اسلامی ما سبب زندان بدون اینکه حتی یک روز در اربابان ما شرکت داشته باشند و با یک روز طعم تلخ گرسنگی و بی خانمانی را کشیده باشند و در طی این مدت مقدار از این مؤسسه غضب شده را سرمد ساختن کردند و ۳۰۰ هکتار دیگر آن باقی مانده و هنوز بایر است حتی به همین مقدار سانه رهایی داده ایم که پیمان به نسبت مساوی تقسیم کنند ولی از این کار سرباز میزنند و میگویند که این مربوط به گذشته است بروید از شاه سابق بگریه امام بزرگ حضرت علی علیه السلام در اوائل حکومت خود در مورد حاتم بنی عثمان فرمود: والله لو جدته قد ترویح بهائسه و ملک به الامام لردته فان فی العدل سعه و من شاق علیه العدل فالجور اغنی

مخاطبه نوح البلاغه

سو کند بخدا اگر بخندید عثمان را بپایم بمالک آن بازگردانم اگر چه از آنها زنها در هر داده و کنیزان خریدند باشند پس این چه صیغه ایست که بهر مستولی که میرسیم میگوید بروید از شاه بگریه چرا آنها نباید بدانند که حکومت، حکومت اسلامی است و باید طبق موازین مقدس اسلام عمل کرده و جواب داد آبا مستولین زمان علی علیه السلام همین را می گفتند یا اینکه به مردم زجر کشیده زمان می گفتند که (الحق،

اطلاعه

بررسی مسائل سیاسی از دیدگاه مکتب توسط برادر دکتور حبیب الله بیمان پنجشنبه ۴ بهمن - ساعت ۴ بعد از ظهر محل - بهار شمالی نیش نساجو